

# چهار هفته

خبرنامه هفتگی ایرانیان مونترال

سال اول - شماره ۸ - شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۷ - ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۸

## مدیبا تولدت مبارک باد!

نلسون ماندلا، پیام آور عشق و راستی ۹۰ ساله شد!

CFMB 1280 AM  
WWW.chacavac.com

رادپوی مونترال و دیدگاه های ایرانیان  
Tel:(514) 787-8848

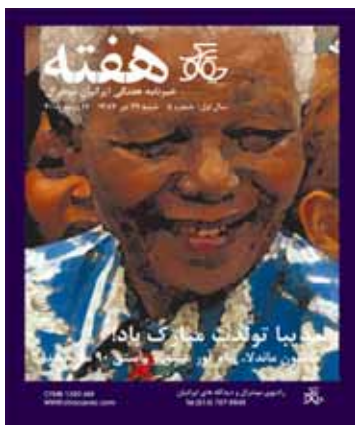


## فهرست مطالب هفته شماره ۸

۳ صفحه	پرتزه ای از نلسون ماندلا به مناسبت ۹۰ سالگی او
۴ صفحه	اخبار و گزارش های مونترال ایرانی
۷ صفحه	هم فال و هم تماشا: سفری به کبک سیتی با انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران
۸ صفحه	تحلیلی اجتماعی از سینمای ایران، دکتر عطا هودشتیان
۹ صفحه	گزارشی از کافه لیت - مقایسه جامعه شناختی سینمای پیش و پس از انقلاب ایران - مهدی کشتکار
۱۰ صفحه	- دانستنی های کبک: امکانات گسترده وب سایت اداره کار، برای کارفرمایان جویای همکار - حمیده غیاثوند
۱۲ صفحه	گزارشی از جشن های نود سالگی ماندلا
۱۴ صفحه	اخبار کانادا و کبک
۱۶ صفحه	وقتی ماشین های لوتو یخها را پول میکنند ترجمه، میترا روشن
۱۸ صفحه	سن لوران: شاهراهی به کانادا، آبراهی حیاتی - لیلی خاقانی
۲۲ صفحه	سفر به اعماق زمان و آغاز مکان - بخش سوم: گوی آتشین و آغاز! دکتر امید صارمی

## صورت آواز مرغ است آن کلام غافل است از حال مرغان مردِ خام

همکاری می کند.  
برداشت مطالب با ذکر ماخذ آزاد است.  
استفاده از طرح ها و آگهی های هفته  
نیاز به کسب اجازه دارد.  
نوشته های فرستاده شده پس فرستاده نمی شود.  
درباره مضمون آگهی های منتشر شده هیچگونه  
مسئولیتی متوجه هفته نیست.



ناشر: هفته  
ویراستار: لیلی خاقانی  
صفحه آرایی: شقایق تقی لوهی  
طراحی آگهی ها: بهروز زمانی  
www.behgraphics.com  
طرح روی جلد: کیوان مهجور  
سر دبیر: خسرو شمیرانی  
با سپاس ویژه از همکاران این شماره: میترا  
روشن، حمیده غیاثوند، پاشا جوادی، مهدی  
کشتکار، امید صارمی، آرمان متقی، علی  
مختاری و عطا هودشتیان

۱۵ Sherbrooke W suite ۶۹۶۰  
۱۸۲ Montreal QC H۴B  
۸۸۴۸-۷۸۷(۵۱۴)  
info@chacavac.com  
www.chacavac.com

هفته از همه علاقه مندان دعوت به

## نام محل های بخش هفته در

### مونترال و حومه

### از صمیم قلب از مراکز زیر سپاسگزاریم

نام محل	آدرس
اخوان	Sherbrooke W/ Grand
اخوان وست آیلند	15760 pierrefonds
آدنیس وست آیلند	Des Sources
اطلس - تعمیرگاه	St Jacque
الامانه	Sherbrooke W/Madison
المیزان	Maisonneuve W/ St Mathieu
پیتزا	Sherbrooke /W Broadway
تپش دیجیتال	Sherbrooke W/ Grand
ثمر	provencher Brossard
خانه کتاب ایران - میکیک	De La Roche/Mont-Royal
داروخانه ژان کوتو	Cote Saint Luc Mall
راکی مونتانا	Sherbrooke W/ Harvard
سرای ۵۹	Sherbrooke W/Cavendish
سوپر مارکت PA	Fort /St. Catherine
شهرزاد آرایشگاه	Sherbrooke /Coronation
شیراز رستوران	Sherbrooke W/ Harvard
عمو جمال رستوران	Sherbrooke W/ Grand
فروشگاه افغان ادویه بین الملل	provencher Brossard
فروشگاه سن لوران - محسن	Sherbrooke W/Melrose
فروشگاه یک دلاری	Sherbrooke W/ Harvard
کافه بانو	Sherbrooke W/Marietta
کباب سرا رستوران	Atwater W/St Antoine
کپلی رستوران	Metro Vendome
کوه نور	Lapiniere Brossard
گیلان رستوران	Sherbrooke W/ Harvard
مانی وایز	St Jacque / Cavendish
مترو پلیس (تعاونی رز)	St.laurent/St.Catherine
وطن	provencher Brossard
نور	St. Catherine W/St Mark
نیلوفر رستوران	St. Catherine W/St Mark

# مادیا: پیام آور عشق و حقیقت

پرتره ای از نلسون ماندلا  
به مناسبت نودمین سالگرد تولدش \*

در آنجا نلسون نامیده شد. دلیل این تغییر نام، ناتوانی آموزگار مسیحی او در تلفظ نام رُلی لالا بود. این معلم انگلیسی، «نلسون» را از نام یک افسر بلندپایه نیروی دریایی بریتانیا گرفته بود.

ماندلا نه ساله بود که پدرش از بیماری سل درگذشت. دوره دبیرستان را در زمانی کوتاه تر از معمول پشت سر گذاشت. در کالج به عنوان نماینده شورای دانشجویی انتخاب شد. به دلیل پیوستن به اعتراضات دانشجویی، تحصیل او در دانشگاه معلق شد. دیرتر برای اینکه اسیر ازدواج ناخواسته ای که خانواده ترتیب داده بود نشود، به ژوهانسبورگ فرار کرد. مدتی به عنوان گارد در معدن کار کرد بعد به دانشگاه رفت و لیسانس خود را دریافت کرد. تحصیل در رشته حقوق را آغاز کرد اما در سال ۱۹۴۸ بدون اخذ پایان نامه دانشگاه را ترک کرد.

ادامه در صفحه ۱۱

از دفاعیه ماندلا: «من با تسلط سفیدها مبارزه کرده ام، من با تسلط سیاه ها مبارزه کرده ام. من به جامعه ای آزاد و دمکراتیک که همه اعضای آن در هارمونی و امکانات برابر زندگی بکنند، احترام می گذارم. این آرمانی است که برای آن زندگی می کنم و امیدوارم به آن دست پیدا کنم، اما اگر ضرورت داشته باشد حاضرم برای این آرمان جان خود را بدهم»

مادیا که در آفریقای جنوبی با نام نلسون ماندلا مترادف شده است، عنوانی است که از سر احترام به بزرگان قبیله ماندلا داده می شود.

رُلی لالا، نوزادی که قرار بود روزی قلب انسان های بیشماری را از رنگ و زبان های گوناگون تسخیر کند، در ۱۸ مین روز جولای سال ۱۹۱۸ به دنیا آمد. هنوز توپ های جنگ جهانی اول خاموش نشده بودند و تا پایه گذاری رسمی رژیم آپارتاید هنوز سی سال باقی بود. رُلی لالا در هفت سالگی به عنوان اولین فرزند خانواده اشرافی خود به دبستان رفت و

به اینکه روز گذشته، برای او در چه ساعتی به پایان رسیده است، هر صبح ساعت چهار و نیم بیدار می شود. از پنج تا شش ورزش می کند. شش و نیم صبحانه صرف می شود و اخبار روز خوانده می شود و سپس روز جدیدی آغاز می شود. ۱۲ ساعت کار در روز برایش عادی است. وقت شناسی برایش یک چیز با اهمیت نیست، بلکه یک امر بدیهی است و وقت شناسی را توهین به طرف مقابل می داند.

مادیا کیست؟

ماشین های لوکس، قصرهای شکوه مند، پول و طلا، ریاست، پست و مقام؟ نه! بزرگترین لذت زندگی اش موسیقی هندل و چایکوفسکی و تماشای غروب است. همیشه همینطور بوده. و زندان رژیم آپارتاید سال های سال او را از این لذت «کوچک» محروم کرد.

تارنمای «کنگره ملی آفریقا» زندگی نامه یکی از انسانهای

بزرگ قرن بیستم را با جملات بالا شروع می کند.

اما آیا براستی دیوار های آپارتاید می توانستند موسیقی را در بیرون قلبی که در آن حتی بر روی زندانبان خود نیز بسته نبود، متوقف کند. و یا تاریکی سلولی که سالها نور روز را ندیده بود می توانست کمترین ذره ای از نور و روشنی دل او بکاهد؟ تاریخ به این سؤال پاسخ منفی و قاطع داده است.

سال های زندان کار خود را کرده اند. ۹۰ ساله است اما هنوز، بدون توجه



## اخبار مونترال ایرانی

### رقص ایرانی در وردان، کنار سن لوران



امروز رود سن لوران شاهد رقص ایرانی خواهد بود که از ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر جریان خواهد داشت.  
اگر اهل رقص و بزن و بکوب هستید گوی و میدان مهیا است.  
علاوه بر امروز، از این به بعد تا آخر اوت هر شنبه (به جز ۲۵ اوت)، از ساعت ۳ تا ۶ میدان رقص سن لوران در وردان با موسیقی ایرانی پذیرای شماست.  
ورودی: رایگان

7000 Blvd. Lasalle, Les serres de Verdun

Metro de l'Église (خط سبز) اتوبوس 58 west  
برای اطلاعات بیشتر با ای میل زیر تماس بگیرید.  
lilikh20@hotmail.com

### کنسرت گروه لیان برگزار شد

پنج شنبه گذشته ۱۷ جولای ۲۰۰۸ کنسرت گروه لیان همراه سلیمان واتقی، خواننده هنرمند ساکن تورنتو برگزار شد. شماره آینده «هفته» گزارش این برنامه را ارائه خواهد داد.

### اطلاعیه مجله اینترنتی پوشه

از علاقه مندان به کار هنرپیشگی و تئاتر، برای اجرای یک نمایشنامه در سه شهر اتاوا، تورنتو و مونترال دعوت به همکاری میشود

برای اطلاعات بیشتر در روزهای کاری، بعد از ۷:۰۰ غروب و شنبه و یکشنبه تمام روز با شماره زیر تماس بگیرید.

(514)575-8451

### کمیپنگ انجمن زنان ایرانی مونترال: اول، دوم و سوم آگوست

کمیپنگ انجمن زنان طبق معمول هر سال در ماه آگوست برپا می شود. گذشته بیش از صد نفر همراه با انجمن زنان به خارج از شهر رفته و سه روز با موسیقی و رقص و ورزش و تفریح در کنار هم بودند. کمیپنگ امسال برای روزهای اول تا سوم ماه آگوست تدارک دیده شده است. اطلاعات بیشتر در شماره های آینده ارائه می شود.

برای اطلاعات بیشتر می توانید با تلفن زیر تماس بگیرید  
Tel: (514)844-9731

### صورت هزینه ها و درآمدهای جشن سالانه مدرسه دهخدا در پارک انگرینون - ۲۱ ژوئن ۲۰۰۸

روز ۲۱ ماه ژوئن مدرسه دهخدا پیک نیک سالانه خود را برگزار کرد. ما گزارش این برنامه را در «هفته» ارائه کردیم.  
اقای بیژن کامیای مسئول مالی مدرسه دهخدا گزارش مالی این برنامه را برای انتشار در اختیار «هفته» گذاشت

کل مخارج	۳۶۰۵/۸۳ دلار
کل در آمد از محل فروش غذا و نوشابه	۶۳۷۲/۰۰ دلار
در آمد از محل کمک مالی	۱۰۰/۰۰ دلار
در آمد از محل فروش تی شرت	۳۳۲/۰۰ دلار
در آمد کل (پیش از کسر مخارج)	۶۸۰۴/۰۰ دلار
در آمد خالص	۳۱۹۸/۱۷ دلار

توضیح اینکه هزینه تهیه گوشت، مرغ، گوجه و نان از طرف آقای حسین انصاری پرداخت شده است.

مونترال - ۱۵ ژوئن ۲۰۰۸  
کمیته مالی هیئت اجرایی مدرسه دهخدا

## سازمان های فرهنگی و اجتماعی در مونترال

### انجمن دوستداران زرتشت

با هدف بازشنا ساندن جشن های باستانی  
Tel: (514) 731-1443

### انجمن زنان ایرانی مونترال

نشست ثابت اولین یکشنبه هرماه، ۱۰/۳۰ صبح  
St. Hubert 8043

### انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند

مدرسه فارسی- هر شنبه از ساعت ۱۲/۳۰  
2900 lake  
Tel: (514) 626 5520

### انجمن ادبی- محمد فاضل

سخنرانی های ادبی، اجتماعی و تاریخی  
Tel: (514) 369-7955 Ext. 120

### بنیاد سخن آزاد

کنسرت های موسیقی اصیل و سخنرانی  
Tel: (514) 944-8111

### خانه ایران

تلفن: ۵۱۴-۹۵۱۴۷۲۱

### خانه کتاب ایران- مکیک

گالری- کتاب فروشی- کتابخانه  
4438 De la Roche  
Tel: (514) 373-5777

### خدمات خانوادگی- Sheild of Athena

آگاهی درباره مسائل خانوادگی و قوانین کانادا  
3565 Jarry  
(514) 274 8117

### کتاب خانه نیما

5206 Decarie  
Tel: (514) 485-3652

### کافه لیت

هر پنجشنبه یک بحث ادبی، تلریخی و علمی  
www.montrealcafelit.blogspot.com  
MontrealCafeLit@gmail.com

### کانون فرهنگی چکاوک

رادیو هفته نامه  
6960 Sherbrooke W  
Tel: (514) 787-8848

### مدرسه ایرانی دهخدا:

مدرسه فارسی- هر شنبه از ساعت ۱۲  
4976 Notre Dame W  
Tel: (514) 886-4768

## مدارای معقول در خانه کتاب ایران



خانه کتاب ایران - مکیک یک سخنرانی در باره «مدارای معقول» Accommodements raisonnables تدارک دیده است.

این سخنرانی به زبان فرانسه و توسط خانم دکتر یولاند ژدا، محقق، نویسنده و عضو IREF انجام می شود. خانم یولاند ژدا در امور آموزشی بین فرهنگها و همکاری های بین المللی در کبک فعال است. او در سال ۲۰۰۷ نائل به دریافت جایزه ی Condorcet شد که توسط جنبش لاییک کبک اهدا می شود. موضوع سخنرانی به زبان فرانسه:

Accommodements raisonnables.

droit à la différence et non différence des droits

تاریخ: ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۸

زمان: هفت و نیم شب

Maison d'Édition Ketabe Iran Canada Inc. : MEKIC

4438, rue de la Roche

Montreal (Quebec) H2J 3J1

Tel: (514) 373-5777

Fax: (514) 373-7555

E-Mail: info@mekic.ca

## هایدگر در کافه لیت

پنجشنبه گذشته ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۸ «آشنایی با هایدگر» موضوع بحث دکتر شهزاد حیدریان در کافه لیت بود. آقای حیدریان سالها همراه با گروهی از علاقه مندان فلسفه در مونترال، به مطالعه هایدگر پرداخته است. در شماره آینده گزارش این بحث در «هفت» ارائه می شود

پنجشنبه آینده ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۸ نیز آقای حیدریان به این بحث ادامه خواهد داد

بحث روز ۲۴ ژوئیه در محل همیشگی برگزار نمی شود. برای اطلاعات بیشتر در باره جا و زمان می توانید به وبلاگ کافه لیت مراجعه کنید و یا با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید

<http://www.montrealcafelit.blogspot.com/>

[montrealcafelit@gmail.com](mailto:montrealcafelit@gmail.com)



**دکتر شریف نائینی**  
**جراح دندان پزشکی**  
 DDS دانشگاه تهران ۱۹۷۳  
 DMD دانشگاه مونترال ۱۹۹۸  
**514-731-1443**  
 5450 Cote des neiges, Suite 308 Metro: CDN



**رضا نژاد**  
**مشاور املاک**  
**تجاری و مسکونی**  
**Cell: 514-865-7146**  
**Office: 514-426-4545**  
**Fax: 514-426-4546**  
 Sutton  
 2869 Boul. St. Charles, Kirkland

**رنگ کاری پیانو و مبلمان چوبی**  
 با رنگ کاری حرفه‌ای و درجه یک، به مبلمان چوبی و قدیمی خود زندگی دوباره بدهید.  
**514-909-6264**  
**ماندانا روشن**



**رستوران کپلی**  
 همبرگرهای بزرگ و فوشمزه  
 و غذاهای ایتالیایی  
**514-483-0000**  
 روبروی متروی Vandome  
 • دلیوری غذا در: NDG و Westmount



**ارسال ارز به ایران**  
**و سایر نقاط جهان**  
**514-485-6000**  
 با امکان صدور Money Order امریکایی و کانادایی  
 6520 St. Jacques  
 1405 de Maisonneuve O  
 5774 Sherbrooke W  
 € \$

**رمز موفقیت در دنیای دوم**  
**سلف هیپنوتیزم**



- رسیدن به خودشناسی کامل
- فراگیری کامل تمرکز فکر
- کنترل بر تمام افکار پراکنده
- فراگیری کامل ریلکس کردن
- تسلط کامل بر تمام حالات منفی از قبیل هیجان، اضطراب، دلشوره و نگرانی و...
- به وجود آوردن یک اعتماد به نفس کامل
- قاطع بودن برای تصمیم گیری
- فراگیری بوجود آوردن آرامش در نهایت خشم
- یادگیری اینکه چطور شبها به راحتی بخواب برویم
- فراگیری اینکه زندگی آنطور که هست از آن لذت ببریم و به آرامشهای درونی و دسترسی پیدا کنیم

با گذراندن این پدیده نوین شما می توانید به کلیه آرمان های زندگی خود براحتی دسترسی یابید.

**Ali Salimi Tel: 514-979-2120**  
**Fax: 450-689-1051 Email: ga\_salimi@hotmail.com**



## دومین پیک نیک تابستانی انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران برگزار شد



نمی کند، نه تنها احتمالا هر روز این ماجرا را تعریف می کند بلکه یادگیری و حفظ ۳۰۰-۴۰۰ سال تاریخ هم نباید خیلی سخت باشد. تصورش را بکنید یک راهنمای گردشگری ایرانی بخواهد شما را در گوشه ای از ایران بچرخاند و تاریخ درس بدهد، طفلک باید یک چند هزار سالی بیش از تورلیدر کانادایی تاریخ در چنته داشته باشد.



به هر حال گروه توریست های ایرانی در داخل سالن های مختلف گردانده می شوند. سالن کمیسیون ها را می بینند و جایگاه احزاب چپ و راست حاضر در پارلمان به آنها نشان داده می شود، بعد قدری در محل مخصوص روزنامه نگاران می نشینند.

دکتر شریف از زیبا بی های آن روز می گوید. از او می پرسیم که آیا جایی هم بود که باعث دلخوری بشود، می گوید دلخوری موردی نداشت اما هنگام ورود به پارلمان مثل این بود که می خواهی سوار هواپیما بشوی یعنی بازرسی امنیتی خیلی سفت و سخت بود.



بعد از دیدار از پارلمان گروه با هم به سوی آبشار مونت مورنسی Montmorency راهی میشوند. مونت مورنسی بلند ترین آبشار کبک است و با ۸۴ متر ارتفاع تقریبا ۳۰ متر از آبشار نیگارا بلند تر است.

یک پل که این سوی آبشار را به سوی دیگر پیوند زده و درست از بالای سر آبشار می گذرد، شکوه ریزش خروار ها آب را تماشائی تر می کند.

هوای عالی روز مانع از آن است که گروه احساس خستگی کند. بعد از آبشار دیدار از موزه عسل در برنامه قرار دارد. ۱۲ نفر از افراد، می روند تا شراب های ساخته شده از عسل را مزه کنند. با پرداخت ۲ دلار می توانید چندین نمونه را امتحان کنید. بسیاری از توریست ها از عسل های بسیار متنوع موزه خریداری می کنند.

دو ساعت و نیم راه در پیش است و اتوبوس باید ساعت ۹ در مونترال باشد. به این ترتیب، دیدار از موزه عسل، این قسمت شیرین، پایان بخش آن روز زیبا می شود.



اگر دوست دارید در این گردش ها شرکت کنید، به جلسات حافظ خوانی یکشنبه ها، بیشتر سر بزنید.

سفر به کبک: مسافرتی تفریحی، تاریخی و فرهنگی

هفته ۱۹ - جولای ۲۰۰۸ - مونترال  
انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران بیشتر تحت عنوان گروه حافظ خوانی شناخته می شود. سال هاست که این انجمن تحت مدیریت دکتر ضیاء الدین شادمان، هر یکشنبه به بحث و بررسی شعر کلاسیک و متون ادبی ایران می پردازد. این چهره ای از «گروه حافظ خوانی است که همه ما می شناسیم. اما ترتیب دادن مسافرت های جالب، لذت بخش و هم به جهت فرهنگی پر بار، اسراری است که به تازگی کشف شده است.

دو هفته پیش، در روز ۶ جولای ۲۰۰۸، به همت دکتر شادمان یک اتوبوس زیبای توریستی به سمت کبک روانه شد که ۴۲ نفر از هم میهنان مونترالی ما را به سفری تفریحی - آموزشی برد. اما این اولین پیک نیک تابستانی انجمن حافظ خوانی نبود. دو هفته قبل از آن نیز این مجموعه سفری به اتاوا داشت که این یکی هم سفری مفرح و آموزنده بود.

تلاش های گزارشگر هفته برای کسب اطلاع در این رابطه با موفقیت روبرو شد. آقای دکتر شریف نائینی که عملا نقش راهنمای گردشگری را در این تور یک روزه به عهده داشت به گزارشگر ما گفت: « این برنامه توسط انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران» تدارک شده بود و دومین پیک نیک امسال بود.» دکتر شریف نائینی در ادامه افزود: «ما ساعت ۸ صبح از جلوی کنکور دیا راه افتادیم و ساعت ۱۰:۳۰ در کبک بودیم. تا ساعت ۱۲ با اتوبوس در شهر گشتیم و قدری با دیدنی های شهر آشنا شدیم

امسال کبک سیتی رنگ و روی متفاوتی دارد. همه چیز زیباتر از همیشه است و این از دید دوستانی که در این تور حضور داشتند پنهان نماند.» چهارصدمین سال تولد کبک است. همه جا را نو نوار کرده اند. یکی از مسافران رو به دیگری می گوید، ای کاش می شد به این ها بگوییم خیلی هم به ۴۰۰ سال تاریخ کبک غره نشوید. به نقشه میهن آبا و اجدادی ما نگاه کنید تا ببینید که شهرهای ایران هزار و دو هزار سال و گاه خیلی بیشتر از آن قدمت دارند.

به هر حال ظهر می شود دکتر شادمان، یک رستوران خوب را برای نهار در برنامه داشته. جمع به رستوران می رسد. و نهار صرف می شود. دیدار از پارلمان آغازگر برنامه های بعد از ظهر است. یک راهنمای مخصوص گروه را درون پارلمان می گرداند. یکشنبه است. تعطیلی روز یکشنبه پارلمان، کار را ساده کرده است. شلوغی روز کاری، حتما مانع از آن می شد که بخش های مختلف مورد بازدید قرار بگیرد. تور لیدر با گذر از بخش های مختلف در عین حال درس تاریخ می دهد. به کار خود مسلط است و توضیحاتش دقیق است. البته هنر هم

# تحلیلی اجتماعی از سینمای ایران

افول «اراده قدرت»

● دکتر عطا هودشتیان



هفت — ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۸

مطالب زیر خلاصه ای از پژوهشی است که به سینمای ایران در دوره پیش از انقلاب ۱۳۵۷ و پس از آن می پردازد. ایده های اصلی آن را روز پنجشنبه ۱۰ جولای ۲۰۰۸ در جمع دوستان دانشجو در «کافه لیت»، یا «کافه ادبی»، عنوان کردم. در اینجا خلاصه کوتاهی از آن گفتار را عرضه می کنم.

مقصود ما ارائه یک تحلیل فنی یا تاریخی از سینمای ایران نیست و نویسنده این خطوط به عنوان متخصص این حوزه سخن نمی گوید. آنچه در نظر است یک بررسی اجتماعی - فرهنگی و روان شناختی از سینمای ایران در دوران پیش از انقلاب، و پس از آن است. می خواهیم بگوئیم که سینمای ایران پیش از انقلاب و آثار مهم و مردمی آن دوران چون تنگسیر، قیصر، گوزنها، بلوچ و نظیر آنها، از یک فضای ویژه قهرمان گرایی، آرمان گرایی، مقاومت و فداکاری سرچشمه می گرفت، اما این فضا پس از انقلاب متحول شد. سینما دیگر آن فضای مذکور را منتقل نمی کرد. آن روحمیات آرمان گرایی و قهرمان گرایی با فضای سال های ۴۰ و ۵۰ بیشتر منطبق بود. دینامیسم آن فضا و تنش های روحی و روانی آن می رفت تا مقدمات یک تحول اجتماعی و سیاسی عظیم را در سال ۱۳۵۷ آماده کند.

از نتایج سیاسی انقلاب در این مختصر می گذریم و در می یابیم که آن جامعه در آن روزها گویی در پی «یافتن خود» بود، در پی یافتن فضای تازه و چاره اندیشی جدیدی برای آینده خود بود، و هنوز رخوت و کم دلی و یاس آن را آلوده نکرده بود. حال آنکه اگر به فضای اجتماعی و حتی فرهنگی پس از انقلاب رجوع کنیم، در می یابیم که اوضاع تغییر کرده است.

پس از انقلاب، سینما بی تردید دوره های گوناگونی را از سر گذرانده است. فیلم های قهرمانی های دوران جنگ را از یاد نبرده ایم. با این حال در سالهای پیش و پس از جنگ، و در امتداد بسته شدن فضای سیاسی و اجتماعی و سرکوب نظام، و همچنین شکست ایدئولوژی ها در ایران و در سطح جهان، آرام آرام روحیه رخوت، ضد آرمانگرایی، بیهودگی و تک روی همچون نکبتی بر جامعه سلطه یافت؛ و علیرغم تلاش جوانان، زنان، سندیکاهای کارگری، پیشه وران، روشنفکران و نویسندگان علیه جو حاکم، این واقعیت تلخ جوآن اصلی حیات جامعه را تصاحب کرد. در این شرایط و با وجود این روحمیات جدید که بر جامعه ایران به تدریج حاکم شد، فیلم هایی چون هامون، شمعی در باد، طعم گیلان، فریاد مورچگان و بالاخره



سنتوری (یا علی سنتوری) تولید شدند، که به اعتقاد ما بیشتر منعکس کننده درهم شکستگی شخصیت، سرگشتگی فلسفی انسانی و خودگرایی، بی قهرمانی، بی آرمانی و بالاخره عُسرت آدمی می باشند.

این نکته را هم تذکر داده با شیم که ما در هر دو دوره پیش و پس از انقلاب، فیلم هایی که در مسیر عکس روحمیات حاکم بر هر دو دوره بوده اند را نیز دیده ایم. «آرامش در حضور دیگران»، «گاو»، «آقای هالو» از آثار برجسته پیش از انقلاب هستند که روحمیات غیر و یا ضد قهرمان گرایی و آرمان گرایی را گواهی می دهند. بی تردید آن فیلم ها تماشاگر را درحالات ویژه ای فرو می بردند و جذابیت مخصوصی داشتند. با این حال به نظر می آید که آنها گویا در مسیر دوران جای نمی گرفتند و به اندازه فیلم های آرمانگرا با فضا گره نمی خوردند. به عبارت دیگر آن فیلم ها پرسشی مبنی بر «جستجوی خود» و تمایل به مقاومت و حرکت برای یک آینده دیگر گونه را طرح نمی کردند. پرسشی که نیاز فضای فکری و فرهنگی آن دوران بود و اصرار بر آن، تحول اجتماعی سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ را آماده کرد.

بنابراین دریافتیم که در اینجا، ما از تحلیل سینما به جامعه نمی رویم. بر عکس، ما از جامعه به سینما می رویم. در اینجا دینامیسم جامعه تحلیل می شود و سپس آن تعداد فیلم هایی که پاسخگوی آن دینامیسم هستند، مورد نظر قرار می گیرند.

بر این اساس، تقسیم دو دوره پیش و پس از انقلاب در این تحلیل به معنای دو دوره ای کردن تحول تاریخی یا فنی سینمای ایران نیست. ما از دوره سینمای قبل از انقلاب و بعد از آن همچون یک استیل و یا نوع معین کار سینمایی صحبت نمی کنیم. بلکه دو دوره تحول اجتماعی و فرهنگی در پیش و پس از انقلاب را در نظر داریم.

تنگسیر اثر جاودانه امیر نادری در اوایل دهه ۵۰ به روی پرده آمد و زندگی یک بندری ستم کشیده را نشان می دهد که پس از ظلم های فراوان از سوی خان ها، بالاخره همت کرده و تفنگ به دست گرفته و انتقام خود را تا به آخر می گیرد. گوزنها اثر مسعود کیمیایی در همان دوران ساخته شد. در این فیلم قهرمان داستان یک روشنگر است که پس از یافتن همکلاسی قدیمی اش که شدیداً معتاد شده است، تلاش می کند او را به مسیر انسانی و ترک اعتیاد بکشاند و در این مسیر موفق می شود.

لیکن در «سنتوری»، اثر داریوش مهرجویی که اخیراً ساخته شده، قهرمان داستان خود یک معتاد

است که به خاطر اعتیادش، دنیا، جامعه، خانواده و مذهب را به سخره می کشد و از هم ه آنها سود می برد برای ادامه اعتیاد خود. نه خود و نه بارانش، کسی او را نجات نمی دهد، مگر، در پایان کار خانواده و پلیس به یاری او می شتابند. سنتوری و گوزنها هر دو ماجرای فنانی انسان در زیر ستون های سترگ زندگی و قوانین مهیب اجتماعی است. با

این حال در گوزنها (دهه ۱۳۵۰) قهرمان داستان آرمان گراست و با قدرت در مقابل پلیدی ها می ایستد. لیکن در سنتوری (دهه ۱۳۸۰) قهرمان داستان، انسانی از نفس افتاده است که دیگر امیدی، آرمانی و جانی در بدن ندارد.

این همه را در «شمعی در باد» و یا با زبانی عمیقتر، در «هامون» دهه ۱۳۷۰ می توان دید که هر دو از آثار سینمایی پس از انقلاب هستند. در هامون قهرمان داستان یک مترجم پرسش گر است، لیکن شکست خورده، نا امید و بی آینده است. او به خوبی به شکست ایده آنها و آرمان ها واقف گشته است. لیکن چیزی به جای آنها نیافته است.

سخن اصلی ما آن است که این انسان سرگشته، این آدم نا امید و بی آینده انسان پس از انقلاب را مجسم می کند. البته نه آنکه عسرت و یاس در روزگاران دیگر تاریخ دیده نشده و یا در پیش از انقلاب شاهد آن نبودیم. ولیکن پس از انقلاب، از آن رو که هر گونه امید و طرح دیگرگونه ای و هر گونه دگراندیشی از سوی نظام، با قدرت تمام پس زده شد، پس بتدریج رخوت و یاس به جای امید نشست. مگر پس از ۳۰ سال شکست امید، چقدر باز می توان تلاش کرد؟ لیکن «هامون» این پرسش را زود تر از ما یعنی در ۱۳۷۳ حس کرد و بی شک بسیاری دیگر در آن سال



## مقایسه سینمای ایران قبل و بعد از انقلاب از دیدگاه جامعه شناسی

### • گزارش: مهدی کشتکار

پس از سخنان دکتر هودشتیان، شرکت کنندگان در این جلسه به نقد آرا و نظرات ایشان پرداختند. به اعتقاد اکثر شرکت کنندگان، تقسیم بندی سینما به دو دوره زمانی با گذاشتن مرزی به نام انقلاب، تقسیم بندی نامناسب می باشد. همگان معتقد بودند که هیچگاه با مقایسه چند فیلم مختص این دو دوره زمانی، نمی توان تصویری از کل جامعه را در این دو برهه به مخاطب عرضه کرد. متدلوژی برگزیده شده در این بحث، شامل ترسیم فضای جامعه ایران در این دو دوره بوده و سپس آوردن مثال هایی از فیلم های مطرح شده، تاییدی بر آن است، که به نوعی دستمایه قرار دادن هدف بحث برای رسیدن به نقطه آغاز است که از لحاظ متدلوژیک رویکردی مردود است. به ادعان همگان، نگاه دکتر هودشتیان نگاهی قابل توجه و تحسین بر انگیز است ولی احتیاج به بازنگری در طرح سؤال و شیوه پاسخ گویی به این سئوالات را دارد. سئوالاتی از این قبیل که چرا ذایقه تماشاگر ایرانی در دهه ۴۰ و ۵۰ فیلم هایی همچون «گوزن ها» و «قیصر» را می پسندد، اما همین تماشاگر پس از انقلاب در فیلم های همین کارگردان از موضوع قهرمان گرایی، استقبال نمی کند. چه عاملی باعث تغییر طبع سینماگر ایرانی شده است؟ آیا مردم ایران دریافته اند که «بیچاره ملتی که احتیاج به قهرمان داشته باشد» و اکنون از قهرمانان پوشالی گریزانند؟

در پایان از طرف کافه لیت از استاد گرامی دکتر هودشتیان که انتقادات وارده را با حوصله بر تافتند کمال امتنان را داریم.

هفتاد و نهمین جلسه کافه لیت با سخنرانی دکتر عطا هودشتیان در مورد «مقایسه سینمای ایران قبل و بعد از انقلاب از دیدگاه جامعه شناسی» برگزار گردید. دکتر هودشتیان استاد جامعه شناسی و علوم سیاسی در این سخنرانی به آنالیز محورهای داستان پردازی در سینما، در دو دوره قبل و بعد از انقلاب و ارتباط آن با روحیات جامعه ایران در این دو دوره زمانی پرداخت. ایشان با بازگویی داستان فیلم هایی چون « تنگسیر » ساخته « نادری » و «گوزن ها» به کارگردانی «کیمیایی» از غیرت، شرف و آرمان گرایی و قهرمان پروری به عنوان محورهای اصلی فیلم های دهه ۴۰ و ۵۰ یاد کرد. وی با در نظر گرفتن این مشخصات برای سینمای پیش از انقلاب، با تکیه به فیلم هایی همچون «شمعی در باد» ساخته «پوران درخشنده» و «علی سنوری» به کارگردانی «داریوش مهرجویی» سینمای ایران پس از انقلاب را سینمایی بدون قهرمان دانست که در آن خمودی شخصیت ها بیداد می کند و آن را نابودی و افول قهرمان گرایی دانست. ایشان فضای آرمان گرایانه سینمای دهه ۴۰ و ۵۰ ایران را همگام با خواست عمومی برای جنبش دانست. حال آن که فضای حاکم بر سینمای کنونی ایران، از نگاه دکتر هودشتیان، عاری از شور لازم برای جنبش است. در این سینما قهرمان مرده است، روحیه ای برای جنبش ندارد، ایده آل گرایی رنگ می بازد و فرد تسلیم است. نقش پلیس و خانواده در این سینما بسیار پر رنگ است و پلیس نقش تصحیح کننده دارد. نهایتاً ایشان ۱۲ وجه تمایز بین سینمای این دو دوره زمانی بر شمرند.



ها و خصوصاً امروز، همچون او حس کرده و می کنند. امروز علی رغم تلاش های ارزنده جوانان، زنان، کارگران و روشنفکران، فضای عمومی اجتماعی در ایران از یک فرسودگی تاریخی خبر می دهد. دینامیسم اجتماعی در ایران دو گانه است و گرایش اصلی آن در جهت در هم شکستگی شخصیت، سرگشتگی فلسفی انسان، تکروری، خودگرایی، بی آرمانی، اقتصاد گرایی و پول پرستی گام میزند. لیکن اینهمه به آن معنا نیست که این افول «اراده قدرت» واقعیتی محتوم در ایران است و هیچ تحول جدیدی در فرادای این جامعه صورت نخواهد گرفت.

ما نیاموختیم که به جای قهرمانگرایی و مطلق گرایی قیصری، به جای آرمانگرایی ایده آلیستی گوزنها، یک آرمانگرایی زمینی، واقعی و عملی جایگزین کنیم. یک بار که از آرمانگرایی قیصری خسته شدیم و مضرات آن را چشیدیم، به ناگاه از هر گونه آرمان دل زده شدیم. غافل از آنکه هر اقدامی برای عدالت اجتماعی، هر گامی برای رعایت حقوق انسانی، هر دریچه ای بسوی دموکراسی، مستلزم ستیز و مبارزه و اعتماد به اراده است. هیچ دموکراسی بدون مبارزه و هیچ مبارزه دموکراتیکی بدون ابزار شجاعت و قدرت محقق نمی شود.

[www.hoodashtian.com](http://www.hoodashtian.com)



## دانستنیهای استان کبک

### این هفته: کمک و همیاری اداره کار به شرکت ها و مدیران موسسات \*

#### ● حمیده غیاثوند

در ادامه بحث هفته های گذشته در باره خدمات گوناگون اداره کار کبک این هفته به سرویس های این موسسه برای مدیران شرکت ها می پردازیم. بر خلاف تصور رایج، اداره کار تنها محلی برای رفت و آمد افراد بدون کار که باید حقوق بیکاری دریافت کنند و یا محلی برای یافتن شغل جدید، نیست. به عبارت دیگر این اداره نه فقط به جویندگان کار، بلکه به مدیران شرکت ها و کارفرمایان هم خدمات مستقیم می دهد. مشاوره برای مدیریت نیروی کار و حتی کمک های مالی مستقیم برای افزایش قابلیت های کارمندان موسسات تجاری، از جمله این خدمات هستند. طبیعتاً یک موسسه تجاری با داشتن پرسنل قابل تر می تواند موقعیت بهتری در مقابل رقبا داشته باشد. شرکت شما در هر اندازه ای که باشد اداره کار، خدماتی متناسب با نیازهای شرکت شما دارد. بگذارید نمونه ای از خدمات مورد نظر را نام ببریم.

اداره کار کبک در رابطه با

- استخدام پرسنل
- مدیریت منابع انسانی
- دادن اطلاعات در مورد تعهدات و مسئولیت ها در قبال کارمندان
- ایجاد کمیته طبقه بندی مجدد در شرایط اخراج گروهی
- بکارگیری قانون به نفع توسعه و ارتقای قابلیت های کارمندان
- تعلیم و آموزش
- ایجاد کار
- دادن اطلاعات در مورد بازار کار
- دادن مدرک کیفیت زیست محیطی ( بکارگیری هالو کربن ها ) (Halocarnones)

به صاحبان و مدیران موسسات تجاری خدمات می دهد.

از یک دیدگاه می توان گفت که اداره کار کبک شریک



مدیران موسسات برای مدیریت منابع انسانی است. به این ترتیب صاحبان کسب و حرف و شرکت ها می توانند با استفاده بهینه از خدمات اداره کار بهره وری موسسه خود را افزایش داده و از رقبای خود پیشی بگیرند. مدیر یک شرکت می تواند نیروهای بالقوه هر یک از کارمندان خود را به درستی تخمین بزند و راهکاری اتخاذ کند که قادر به انگیزه دادن به کارکنان و پیشبرد اهداف شرکت باشد. برای این عرصه نیز ادارۀ کار، خدمات تخصصی ارائه می دهد:

- مشاوره در مدیریت منابع انسانی
- کمک برای راه اندازی کمیته توافق
- کمک برای اجرای طرحی جهت تثبیت مشاغلی که در حال حاضر ناپایدار هستند
- جابجایی یا کاهش زمان کار برای حفظ امکانات شغلی موجود و یا ایجاد امکانات شغلی جدید

#### مشاغل آزاد

یکی دیگر از عرصه های مهمی که اداره کار در آن فعالانه خدمات می دهد، کار در زمینه شغل آزاد است. اگر فردی بخواهد برای خود شرکت تاسیس کند، می تواند از خدمات اداره کار کبک بهره بگیرد. بررسی طرح تاسیس شرکت، کمک برای تدارک و عملی کردن طرح تجاری و دادن کمک های مالی و فنی از جمله این خدمات هستند.

نمونه هایی از کمک های فنی ارائه شده به این شرح است:

- توصیه هایی برای تدارک طرح تجاری، حسابداری، استراتژی بازاریابی و بکارگیری

- سیستم کامپیوتری
- پی گیری و توصیه های جانبی در طول دوره راه اندازی شرکت
- دوره های آموزشی تکمیلی
- طول مدت این کمک ها می تواند تا ۵۲ هفته برسد.

#### سایت های کاریابی برای جویندگان کار

در اینجا چند سایت کاریابی برای بعضی مشاغل تخصصی ذکر می کنیم که امیدواریم برای جویندگان کار بخصوص هموطنانی که به تازگی از ایران آمده اند مفید واقع شود. منابع انسانی

[www.latoiledesrecruteurs.com](http://www.latoiledesrecruteurs.com)

کامپیوتر

[www.itjob.ca](http://www.itjob.ca)

مالی، حسابداری و مدیریت

[www.jobwings.com](http://www.jobwings.com)

[www.123goemploi.com](http://www.123goemploi.com)

مهندسی

[www.recruitech.ca](http://www.recruitech.ca)

حقوق

[www.legaljob.ca](http://www.legaljob.ca)

مرکز تحقیقات صنعتی کبک

[www.icriq.qc.ca](http://www.icriq.qc.ca)

موتور جستجوی شرکت ها

[www.pagejaunes.ca](http://www.pagejaunes.ca)

\* برای تنظیم این مطلب از اطلاعات تارنمای اداره کار کبک استفاده شده است.

[www.emploi.quebec.net](http://www.emploi.quebec.net)

در اوج جنگ جهانی دوم گروه کوچکی از جوانان عضو کنگره ملی آفریقا ANC گرد هم جمع شدند. این گروه از ویلیام نموکو، والتر سیسولو، الیور تامبو، آشبای مدا، نلسون ماندلا و ۵۴ نفر دیگر تشکیل شده بود و رهبری آن را آنتون لمپد Anton Lembede به عهده داشت. این مجموعه کوچک وظیفه ای را در مقابل خود نهاد که شاید بی انجام آن، آفریقای جنوبی هرگز از آپارتاید خلاص نمی شد. وظیفه مذکور که ناممکن به نظر می رسید این بود که کنگره ملی آفریقا را به یک جنبش اجتماعی تبدیل کند. جنبش حق طلبانه ای که میلیونها کارگر، بزرگ و متخصص را در بر می گرفت.

اساسی ترین مسئله مورد نظر گروه جوان مذکور، این بود که نشان دهد، راهکارهای پارلمنتاریستی و عریضه نویسی که محور فعالیت های رهبری قدیمی ANC و مبتنی بر مبارزه پارلمنتاریستی برای رسیدن به حقوق مردم آفریقای جنوبی بود، روشی درخور زمان نیست. آنتون لمپد و دوستان او معتقد بودند تنها راه

رسیدن به هدف، تکیه بر هویت ملی و ناسیونالیسم رادیکال آفریقای بود. بر اساس همین تفکر بود که در سال ۱۹۴۴ «لیگ جوانان کنگره ملی آفریقا» شکل گرفت.

پشتکار، صداقت و دیسیپلین نلسون جوان در

راهی که می رفت چنان بود که امکان نداشت دیگران را تحت تاثیر نگذارد، پس او در سال ۱۹۴۷ به عنوان دبیر «لیگ جوانان» انتخاب شد. در این سال علاوه بر آنتون لمپد که در کمیته رهبری ANC حضور داشت، ۲ نفر دیگر نیز به عضویت این کمیته درآمدند. با طرح شعار Inyaniso که «حقیقت» معنی می دهد، و وفاداری به این شعار، لیگ جوانان کنگره ملی توانست به سرعت در اعماق جامعه ریشه بداند و زمینه را برای پذیرش سیاست هایش در درون کنگره ملی آماده سازد.

در سال ۱۹۴۸ همه چیز یکسره شد. «حزب ملی» در انتخاباتی که فقط سفیدها حق شرکت در آن را داشتند قدرت را به دست گرفت و نژادپرستی به قدرترین رسمی حکومت تبدیل شد و در نتیجه، تبعیض نژادی و تحقیر بی حد و مرز اکثریت جامعه، نزدیک به نیم قرن سایه ای سنگین بر جنوب قاره سیاه انداخته و لکه ننگی ابدی بر دامن بشریت نشانده.

در پی این رخداد، در سال ۱۹۴۹ نلسون ماندلا همراه با دیگر رهبران لیگ جوانان «برنامه عمل» را به کنگره پیشنهاد کردند. در دنیای خارج از آفریقا، جنگ جهانی دوم تمام شده بود و جرقه هائی خبر از شروع جنگ از نوعی دیگر میداد و سرانجام جنگ سرد آغاز شد. جنگی که گاه زبانه های آتش گرم آن هزاران انسان را

در کام خود می کشید.

در اولین سالهای دهه ۱۹۵۰ که درآتش جنگ با آمریکا می سوخت و بخش هایی از اروپای شرقی دستخوش ناآرامی های گاه خونین بود. این ناآرامی ها از مقاومت افشاری از مردم در مقابل حکومت های اقماری اتحاد جماهیر شوروی ناشی می شد. همزمان در آفریقای جنوبی که به سرزمین های تحت سلطه ملکه انگلستان commonwealth تعلق داشت، قوانین تبعیض آمیز هر روز گسترده تر و اعمال آنها سبعانه تر می شد. در سال ۱۹۵۲ کنگره ملی آفریقا کمپین نافرمانی مدنی در مقابل قوانین ناعادلانه آپارتاید را آغاز کرد. ماندلای ۳۴ ساله به عنوان رهبر نیروهای داوطلب در سطح کل کشور انتخاب شد. در این دوره ماندلا به سراسر کشور سفر می کرد و با تلاشی خستگی ناپذیر گروه های داوطلب برای پیوستن به کمپین نافرمانی مدنی را سازمان می داد. تلاش های ماندلا، او و همراهانش را به دادگاه کشاند. قاضی در حکم خود نوشت، ماندلا

## معلم انگلیسی، ناتوان از تلفظ نام کوچک ماندلا، اورا نلسون نام گذاشت

به عنوان متهم ردیف اول و دیگر متهمان در اقدام مسالمت جویانه برای مقاومت در مقابل قوانین موجود مجرم شناخته می شوند. در حکم آمده بود که این گروه پیروان خود را به عدم کاربرد خشونت ترغیب می کند.

بر اساس قانون ضد کمونیسم، ماندلا به زندان تعلیقی محکوم شد. پس از پایان کمپین او از شرکت در هر گونه گرد هم آبی نیز منع شد. در همین دوره محکومیت به «عدم فعالیت»، ماندلا امتحانات پایانی دانشکده حقوق را پشت سر گذاشت و به عنوان وکیل، یک دفتر حقوقی باز کرد.

در پایان سال ۱۹۵۲ ماندلا به پاس تلاش هایش در «کمپین برای نافرمانی مدنی» به ریاست لیگ جوانان و نائب رئیسی کنگره ملی انتخاب شد.

الیور تامبو از رهبران و بنیانگذاران لیگ جوانان که در دفتر حقوقی اش با نلسون ماندلا شریک بود، در سال ۱۹۹۳، یک سال پیش از پایان ابدی آپارتاید در آفریقای جنوبی و مدت کوتاهی قبل از مرگ خود، وقتی که ریاست کنگره ملی را به عهده داشت، در باره آن سال ها نوشت:

«هر روز صبح، وقتی که ماندلا و من تلاش می کردیم

به میز کار خود برسیم، باید صف طولانی مراجعینی را پشت سر می گذاشتیم که اتاق انتظار و راهرو ها را پر کرده بودند. .... در آفریقای جنوبی، بدون زمین بودن یک کشاور به نوعی یک جرم بود و بسیاری از مراجعان به این دلیل آمده بودند که از زمین های آبا و اجدادی شان آنها را بیرون انداخته بودند. .... ما در جامعه خودمان به عنوان متخصص به جایگاهی دست یافته بودیم. نه من و نه ماندلا نمی خواستیم علیه رژیم آپارتاید سرکشی کنیم. اما هر بار حضور ما در دادگاه و همرأه ایی به زندان برای گفتگو با موکلانمان، تحقیر و درد جان سوز وارده به مردم مان را به ما یاد آوری می کرد.

جایگاه تامبو و ماندلا به عنوان وکلای دعاوی، این دو حقوق دان را از تعرض قوانین نژادپرستانه مصون نگه نداشت. ماندلا دیر تر در این باره نوشت که دفتر کارشان از آنها گرفته شد و آنها به محلی با کیلومترها فاصله فرستاده شدند. محلی که موکلان در ساعت کاری قادر به رسیدن به آن نبودند.

در دهه ۱۹۵۰ جدایی نژادی در دانشگاه های عمومی، «قوانین عبور و مرور» و مبارزه علیه استثمار کارگران توجه ماندلا را جلب کرد. انواع و اقسام فشار،

ایجاد موانع متعدد کاری، بازداشت و زندان های مکرر نتیجه توجه ماندلا به مسائل بالا بودند.

در نیمه دوم دهه ۵۰ ماندلا دفتر حقوقی خود را از دست داد و فعالیت سیاسی برایش ممنوع شد. فاجعه کشتار جمعی که در شارپ ویل ((۱)) در سال ۱۹۶۰ صورت گرفت به غیرقانونی شدن کنگره ملی آفریقا و زندانی شدن نلسون ماندلا که هنوز دوران زندان تعلیقی را می گذراند، انجامید.

پس از آزادی، به دلیل فشارهای روز افزون بر اثر غیرقانونی بودن کنگره ملی، ماندلا دوباره تحت پیگرد قرار گرفت. اما اینبار او زندگی مخفی را برگزید. گاهی لباس یک کارگر را پوشید و گاهی نقش راننده را بازی کرد. مهارت او در فرار از پلیس، نام مستعار Pimpernel ((۲)) را برای وی به ارمغان آورد. در همین سالها کنگره ملی آفریقا شاخه نظامی خود را تاسیس کرد. دیرتر ماندلا در دادگاه گفت: «در جون ۱۹۶۱ بعد از بررسی مفصل و طولانی وضعیت آفریقای جنوبی، من و دیگر همقطارانم به این نتیجه رسیدیم که استفاده از خشونت گریزناپذیر است. وقتی که حکومت درخواست های صلح آمیز ما را با خشونت پاسخ می دهد، غیر واقع گرایانه است که رهبران آفریقا صلح و عدم خشونت را موعظه کنند.»

ادامه در صفحه ۱۲





## همه جا

این روزها مردم در گوشه و کنار دنیا نودمین سالروز تولد ماندلا را جشن می گیرند. بزرگترین برنامه جشن تولد او در روز بیست و هفتم ژوئن در لندن برگزار شد. ویل اسمیت، بازیگر سرشناس هالیوود، یک جمعیت پنجاه هزار نفری را که برای جشن تولد زندانی سابق، رییس جمهوری سابق و برنده جایزه صلح نوبل در هاید پارک لندن جمع شده بودند هدایت می کرد تا با هم سرود تولد مبارک را بخوانند. ماندلا غرق در احساسات مردم در حالیکه به سختی راه میرفت پشت تریبون آمده و گفت: «فراموش نکنیم که کار ما هنوز تمام نشده و ما راه درازی درپیش داریم. تا وقتی که هنوز فقر و بیماری و سرکوب

ادامه می دهند. ماندلا با وجود تحریکات بسیار زیاد هرگز نژادپرستی را با نژاد پرستی پاسخ نداد. پاسخ او به سال ها سرکوب، زندان و قتل دوستانش، بخشش و تلاش برای روشن شدن حقیقت بود. چوبه های دار به پا نکرد. انتقام جویی نکرد و در کشوری که می شد بر اثر کوچکترین اشتباهی سیلابی از خون جاری شود، آفریقای جدید را بنا کرد. آفریقای که با تمام مشکلاتش راهی دگرگونه به دیگران نشان می دهد. او نشان داد که نمی تواند به باورهای خویش در مورد آزادی و برابری پشت کند. ماندلا در سال ۱۹۹۳ به نمایندگی از طرف تمام انسان هایی که در آفریقای جنوبی برای ایجاد صلح در سرزمین خود درد کشیده و قربانی داده بودند جایزه صلح نوبل را پذیرفت.

در تاریخ ۱۰ ماه می ۱۹۹۴ به عنوان اولین رئیس جمهور منتخب مردم آفریقای جنوبی سوگند یاد کرد و درست پنج سال دیرتر از تمام مشاغل دولتی کناره گرفت. او اکنون در زادگاه خود، در Qunu, Transkei زندگی می کند. بیش از ۱۰۰ جایزه بین المللی دریافت کرده است و از پنجاه دانشگاه معتبر جهان دارای مدارج افتخاری است.

### زیرنویس ها

\* این نوشته با استفاده از منابع زیر تهیه شده است

<http://www.nelsonmandela.org/>

<http://www.anc.org.za/people/mandela.html>

[http://en.wikipedia.org/wiki/Nelson\\_Mandela](http://en.wikipedia.org/wiki/Nelson_Mandela)

(۱) در روز ۲۱ مارس ۱۹۶۰، پلیس در شهر شارپ ویل به سوی تظاهر کنندگان ضد آپارتاید آتش گشود، ۶۷ نفر را کشت و ۱۸۰ نفر را زخمی کرد. این

کشتار که محکومیت جهانی را به دنبال داشت باعث شد آفریقای جنوبی که جزئی از سرزمین های زیر چتر سلطنتی بریتانیای کبیر محسوب می شد به یک جمهوری تبدیل شود

<http://www.encyclopedia.com/doc/1O48-Sharpville-massacre.html>

دادگاه رژیم آپارتاید ماندلا را مجرم شناخت و به پنج سال زندان محکوم کرد. زمانی که هنوز در زندان به سر می برد بار دیگر دادگاهی شد و در مورد دیگری، در اتهام «خرابکاری» مجرم شناخته شد. دفاعیه ماندلا در این پرونده که Rivonia Trial نام گرفت، با عباراتی پایان یافت که در تاریخ مبارزه با آپارتاید ماندگار شدند: «من با تسلط سفیدها مبارزه کرده ام، من با تسلط سیاه ها مبارزه کرده ام، من به جامعه ای آزاد و دموکراتیک که همه اعضای آن در هارمونی و امکانات برابر زندگی بکنند، احترام می گذارم. این آرمانی است که برای آن زندگی می کنم و امیدوارم به آن دست پیدا کنم، اما اگر ضرورت داشته باشد حاضرم برای این آرمان جان خود را بدهم» (۲)

در این دادگاه ماندلا به حبس ابد محکوم شد. او به زندان معروف و دهشتناک Robben Island منتقل شد. در سال ۱۹۸۴ به زندان Pollsmoor منتقل شد. در سال ۱۹۸۸ بار دیگر او را جابجا کرده و به آخرین سکونت گاه اجباریش، Victor Verster بردند. نلسون ماندلا در زندان بارها معامله پیشنهادهای زندان بانان را پس زد و حاضر نشد با پذیرش آنچه که بر خلاف آرمان های آزادی خواهانه و برابری طلبانه اش بود از بند رهایی یابد. آخرین بار وقتی که دوباره به او پیشنهاد شد تا در باره شرایط آزادیش با زندان بانان مذاکره کند گفت: «زندانی نمی تواند وارد هیچ قراردادی شود. فقط انسان های آزاد می توانند مذاکره کنند»

ماندلا در تاریخ ۱۱ فوریه ۱۹۹۰ آزاد شد و با قدرت تمام تلاش زندگی اش را در خارج از زندان آغاز کرد تا به اهدافی که او و هم قطارانش چهار دهه پیش تر برای خود تعیین کرده بودند، دست یابد. در سال ۱۹۹۱ پس از چندین دهه دوباره نشست سراسری کنگره ملی آفریقا در کشور برگزار شد. در این نشست ماندلا به ریاست ANC انتخاب شد و دوست دیرینه او البور تامبو مدیرکلی را به عهده گرفت. ماندلا و همراهان او کمی پس از آزادی وی از زندان اعلام کردند که مبارزه مسلحانه را کنار گذاشته و با اتکا به نیروی مردم و با مبارزه مدنی به تلاش برای رسیدن به آرمان هایشان



## ماندلا در زندان:

«زندانی نمی تواند وارد هیچ قراردادی شود.

فقط انسان های آزاد می توانند مذاکره کنند»

### او را بزرگ می دارند اما در آمریکا همچنان ماندلا «تروریست» محسوب می شود

به همه جهان درس عشق و راستی آموخت. و اما آیا ما این درس را از او یاد گرفته ایم؟ سیاستمداران آمریکا را، رهبران کشور خودمان ایران را و تمامی آن دیگرانی را که به راحتی پا بر حق می گذارند نمی گویم. خودمان را، من را و تو را می گویم.

مردم سراسر دنیا روز تولد نلسون ماندلا را در سایتی به او تبریک می گویند شما هم می توانید برای او پیام تبریکی بفرستید.

<http://www.happybirthday-mandela.com/frontHome.seam>

تروریست های آمریکا قرار دارد. او برای ورود به آمریکا مجوز ویژه ای نیاز دارد. این روزنامه در ادامه می افزاید: «وزیر خارجه آمریکا، کوندالیزا رایس، این وضعیت را شرم آور خوانده است.» بسیاری از سیاستمداران آمریکایی مثل خانم رایس این وضعیت را شرم آور می دانند. اما راستی اگر ANC حاکم نشده بود و مثلاً ماندلا همچنان در زندان می ماند، آیا هیچ سیاستمداری بود که تروریست نامیدن وی را شرم آور بخواند؟ سؤال ساده ایست! اینطور نیست؟

به هر حال نودمین سالگرد تولد انسانی است که با عشق به مردم و برای آزادی، بارها به کام مرگ نزدیک شد و سرانجام

بسیاری دیگر حضور داشتند. اما جالب اینجاست که اگر نلسون ماندلا برای شرکت در مراسم تولد لازم بود به آمریکا برود پرونده او مسیر ویژه ای به خود می گرفت. چرا؟ زیرا او به دلیل عضویت در کنگره ملی آفریقا همچنان بر روی لیست تروریستی آمریکا قرار دارد. همزمان با نودمین سال تولد او تعدادی از نمایندگان مجلس قانونگذاری ایالات متحده تلاش می کنند تا با تصویب یک قانون نام وی را از لیست تروریست ها حذف کنند.

مدتی پیش روزنامه یو.اس.ای تو-دی نوشت: نلسون ماندلا، برنده جایزه صلح نوبل و سمبل آزادی به عنوان تروریست نشان شده است و بر روی لیست

انسانها هست، کار ما تمام نشده. وظیفه ما تامین آزادی برای همه انسانهاست. صدها تن از سرشناس ترین هنرمندان، سیاستمداران و سران دولت های جهان، بویژه جهان غرب به لندن آمده بودند تا از نزدیک این زندانی سابق آپارتاید را بزرگ بدارند. ژيوان گاسپاریان، واسن هاوس، جانن کلگ، گروه کر سووتو گوسپل، کویسی جونز، انی لئوکس، جش گروبن، پاپا ومبا، رابرت دنیرو، سیمپل ماینز و حتی لوییسی همیلتون راننده فرمول وان در میان میهمانان بودند. از میان سیاستمداران، گوردون براون نخست وزیر انگلیس، بیل کلینتون ریاست جمهوری سابق ایالات متحده، انگلیکا مرکل، صدراعظم آلمان، و

## مادر یک جوان کانادایی زندانی در گوانتانامو بی: فرزندم را به من بازگردانید



به گزارش کانادا پرس، روز سه شنبه ۱۵ جولای یک نوار ویدیویی از عمر خضر که در سال ۲۰۰۳ پس از یک درگیری خونین با سربازان آمریکایی در افغانستان به جرم کشتن یک سرباز آمریکایی دستگیر و در زندان گوانتانامو زندانی شده است، پخش شد. این نوار که با اجازه دادگاه پخش شده است خضر را که در آن زمان ۱۶ ساله بوده - فوریه ۲۰۰۳ - نشان می دهد که پس از چند روز



بازجویی توسط افسر اداره امنیت کانادا، با گریه مادرش را صدا می زند. پس از پخش این نوار ویدیویی مادر خضر، ماهه السامنه که با دیگر فرزندان در تورنتو ساکن است پس از سالها، سکوت را می شکنند. او در یک گفتگو با رسانه ها برای فرزندش تقاضای کمک می کند. او می گوید که مهم نیست چه کمکی! سیاسی، انسانی ... هر گونه کمکی.

مدرک دیگری دال بر پرتاب نارنجک توسط خضر ارائه نشده است. واقعیت دیگر این است که مقامات رسمی پیش تر گفته بودند که یکی از مردان مسلح طالبان که زخمی شده بود پیش از مرگ خود، نارنجک را پرتاب کرده است. در باره انتشار ویدئوی بازجویی خضر گفته می شود، وکیل مدافع کانادایی خضر امیدوار بود با پخش این ویدئو که صحنه های دلخراشی از ضجه و زاری نوجوان را در دستان نیروهای امنیتی کانادا به نمایش می گذارد، بتواند افکار عمومی را به نفع موکل خود برانگیزد.

عمر احمد خضر، متولد ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۶، در تورنتو، چهارمین فرزند خانواده خضر است. او در جولای ۲۰۰۲ وقتی که ۱۵ سال بیشتر نداشت، دستگیر شد. این دستگیری در پی ۴ ساعت تبادل آتش میان نیروهای آمریکایی و مردان مسلح طالبان در نزدیکی روستای ایوب خیل در افغانستان صورت گرفت. در این تبادل آتش یک سرباز آمریکایی توسط پرتاب نارنجک کشته شد.

## ساخت بیمارستان عظیم مک گیل یک سال دیگر به تعویق افتاد. مخارج اضافه: روزانه صد هزار دلار

مرکز بهداشت مک گیل مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار بودجه جهت توسعه پروژه، برنامه ریزی کرده که تماما توسط دولت محلی سرمایه گذاری خواهد شد. در سال ۲۰۰۶ دولت این طرح را به عنوان «پروژه عمومی با سرمایه گذاری خصوصی» تصویب کرد. هدف از این نوع همکاری میان بخش خصوصی و دولتی جلوگیری از افزایش هزینه ها بود اما الان به دلیل پیچیدگی بوروکراتیک، پروژه میلیونها دلار بیشتر خرج در بر خواهد داشت. حدس و گمان ها بر این است که بودجه تا آخر سال ۲۰۰۸ تصویب نشود.

آقای الباز میگوید که حتی اگر این بودجه تا سپتامبر ۲۰۰۹ تصویب شود کار بلافاصله شروع نخواهد شد و از آنجا که زمان مناسب برای بی ریزی بنا، بهار تشخیص داده شده است، بنا بر این ساختمان پیش از سال ۲۰۱۰ شروع نخواهد شد.

به گزارش روزنامه گارت، پروژه احداث بیمارستان عظیمی که به عنوان پروژه مشترک «مرکز بهداشت دانشگاه مک گیل» (MUHC) و بخش خصوصی، که در سال ۱۹۹۲ پیشنهاد شده بود یک سال دیگر نیز به تعویق خواهد افتاد.

طرح ساخت این بیمارستان که قرار است در کنار متروی وندام Vendome بنا شود، مقاومت هایی را نیز از سوی شهروندان برانگیخت.

در ابتدا قرار بود این پروژه تا سال ۲۰۰۵ پایان یافته و بیمارستان شروع به کار کند. اما مشکل بودجه دولت کبک همواره آغاز آن را به تعویق انداخته است. به گفته آقای Yanai Elbaz که از سوی «مرکز بهداشت دانشگاه مک گیل» مدیریت برنامه ریزی این پروژه را به عهده دارد گفت: هر روز دیرکرد دولت در دادن چراغ سبز، مبلغ ۱۰۰ هزار دلار هزینه در بر دارد!



## هواپیماهای جدید بمباردیه و کیک های شکلاتی

به طور مشروط و ضمنی سفارش ۳۰ عدد از این مدل هواپیما را از شرکت آلمانی لوفتانزا گرفت. این شرکت هوایی آلمانی قرار است در آینده ۳۰ فروند دیگر از این مدل را سفارش بدهد. قیمت توافق شده ۴۶/۷ میلیون دلار اعلام شده است. به اعتقاد زاک کاوافیان، یکی از اعضای گروه متخصصان این رشته در تورنتو، این مدل هواپیما مانند کیک های شکلاتی به فروش خواهد رفت. آنها امیدوارند که تا پایان نمایشگاه در انگلیس سفارش های بیشتری بگیرند. به گفته آقای ژان شاره پروژه ساخت این هواپیماها که قرار است در مونترال به اجرا در بیاید ۳۵۰۰ موقعیت شغلی به طور مستقیم و صدها موقعیت شغلی به طور غیر مستقیم ایجاد خواهد کرد. در نهایت قرار است اولین جت های مسافر بری سری C در سال ۲۰۱۳ آماده بهره برداری باشند.

به گزارش کانادا پرس شرکت هواپیما سازی بمباردیه روز یکشنبه ۱۳ جولای آمادگی خود را برای ساخت و مونتاژ هواپیمای مسافربری جت سری C ، در مونترال اعلام کرد. مدیریت بمباردیه ادعا کرد، ابداع جدید این شرکت، با توجه به قیمت های بالای امروزی بنزین، به دلیل داشتن موتور جدید و به شدت کم مصرفش، بسیار مقرون به صرفه است. یکی از شرکت های معتبر موتورسازی هواپیما به نام Pratt & Whitney نیز برای این مدل، موتورهای توربوخواهد ساخت. این مدل هواپیمای جت مسافربری با گنجایش ۱۰۰ تا ۱۴۹ نفر از نظر تجاری نیز گزینه مناسبی برای شرکت های هواپیمایی به نظر می رسد. آقای Pierre Beaudoin یکی از سران و مدیران اجرایی شرکت بمباردیه معتقد است که این هواپیما در دنیا انقلاب خواهد کرد. این در حالی است که در یکی از نمایشگاه های هواپیما در انگلستان، شرکت بمباردیه

## قطع برق در ونکوور: بار اول در نتیجه آتش سوزی و بار دوم در نتیجه انفجار

به خانه برده و بعضی از آنها در نیمه تاریکی مشغول به انجام کار خود بودند. شرکت برق این ناحیه همچنان در تلاش برای رفع مشکل است. مسئولان شرکت برق اعلام کرده اند که وصل برق چراغ های راهنمایی، وسایل حمل و نقل عمومی و ساختمان های بزرگ در اولویت قرار دارد. این در حالی است که در پی تلاش برای تعمیر مدار های آسیب دیده، یک انفجار در یکی از مدارها باعث شد که دوباره برق داخلی کلیه شهر برای ساعاتی قطع شود.

به گزارش کانادا پرس از ونکوور، صبح روز دوشنبه ۱۴ جولای در پی جهش آتش به کنتورهای برق در متروی شهر ونکوور، برق قسمت بزرگی از مرکز شهر قطع شده و شهروندان در خاموشی ماندند و تا بعد از ظهر روز سه شنبه فقط برق نیمی از محدوده وصل شده و بقیه مشتریان شرکت برق بریتیش کلمبیا در زمان ارسال این خبر همچنان در خاموشی به سر می بردند. بسیاری از ادارات و مغازه ها تعطیل شده و بعضی از آنها برای مدتی با استفاده از نور طبیعی روز کار می کردند. بعضی از کارگرانی که برای تولیدی های فروشگاه Hall کار می کنند، کارهای خود را با خود



CHACAVAC  
A PROGRAM FOR THE PARSİ SPEAKING COMMUNITY IN MONTREAL  
1280 AM

# رادیو چکاوک

## صدای ایرانیان مونترال

هر یکشنبه شب از ساعت ۹ تا ۱۰

### سی.دی برنامه های رادیو چکاوک

را از محل های زیر تهیه کنید:

- تپش دیجیتال
- خیابان شربورک غربی، جنب اخوان
- رستوران کباب سرا
- Atwater
- فروشگاه مواد غذایی سن لوران
- Sherbrooke West / Melrose
- رستوران نیلوفر
- سن کاترین، تقاطع سن مارک

## وقتی ماشین های لوتو یخها را پول میکنند!

### ● میترا روشن

میگوید: «آنها پولها را هدر میدهند. به نظر من باید آنها را داغون کرد. دوست دیگرش اعتراض میکند: «نه، داغون نه، بگوئید آنها را از اینجا ببرند»

انتشار گزارش شفرویل در رادیو کانادا، افکار عمومی را یکبار دیگر و برای مدتی کوتاه متوجه وخامت وضعیت سرخپوستان اتوکتون کرد. جامعه ای مانند دیگر جوامع سرخپوستان که در طول یک نسل، سبک زندگی طبیعی و هزاران ساله آنها بر اثر یکجا نشینی، الکلیسم و مدرنیته شدن تغییر کرده و در این میان بلای قمار هم اضافه شده است... لوتو کبک البته حاضر به برداشتن ماشین ها نبود ولی پس از پی گیری های مکرر قول داد از تعداد ماشین های قمار و ساعات استفاده از آنها را کم کند. هم چنین در فوریه گذشته اعلام کرد که ۲ میلیون دلار برای هزینه تبلیغات «مبارزه با مشکل قمار» اختصاص میدهد، مبلغی که میتوانست معادل حقوق ۲۰ مددکار اجتماعی باشد

یکسال بعد از تهیه رپرتاژ، گزارشگران رادیو کانادا دوباره به شفرویل رفتند و از وضع شهر خبر دادند: ماشین ها هنوز آنجا هستند، مشکل قمار هم به جای خود باقی است. اما حالا مردم در باره آن راحت تر صحبت میکنند. اگر لوتو کبک کاری نکرده ولی در عوض خود مردم دست به کار تغییر اوضاع شده اند. تغییرات هرچند کند ولی به آرامی انجام میشود. نکته جالب توجه عوض شدن نوع بازی است! اخیرا افراد به جای قمار با ماشین ها، دور هم جمع میشوند و بینگو بازی میکنند، بخشی از درآمد این بازی صرف هزینه های رفاهی دهکده میشود. یک کلپ صبحانه هر روز به چند شاگرد مدرسه صبحانه میدهد، خانه جوانان که مدتها بسته بود دوباره باز شده است و لانگی فورتن، تنها هنرمند دهکده مشغول نوشتن نمایشنامه ای با سوژه «رنج زندگی» است. داستان بدبختی های نسلی که گویی ناپدید شده است

حتی برای قربانیان نیز امید نجات هست. کارول و ماری، زوج سرخپوستی که همه هستی شان را در قمار از دست داده اند و اخیرا با کمک روانشناس توانسته اند از بلای قمار با ماشین های لوتو کبک نجات پیدا کنند در جواب خبرنگاری که میپرسد حالا چکار میکنید؟ به یکدیگر نگاه میکنند، لبخند میزنند و میگویند معلوم است، شبها با هم بینگو بازی میکنند

توضیح: این گزارش بر اساس گزارش مستند رادیو کانادا تهیه شده است. برای دیدن فیلم میتوانید به

تارنمای رادیو کانادا مراجعه کنید

[http://www.radio-canada.ca/actualite/v2/enjeux/niveau2\\_8003.shtml](http://www.radio-canada.ca/actualite/v2/enjeux/niveau2_8003.shtml)

درصدشان بیکارند و ولفر میگیرند. بقیه از اقتصاد زیرزمینی و قاچاق زندگی میکنند و برای فراموشی و سرگرمی به کوکابین و قمار پناه برده اند. در این منطقه متروک تنها تفریح قمار است! حتی

در یک اجتماع ۷۰۰ نفری  
در عرض یکسال ۷۵ مورد  
خودکشی به وقوع پیوسته  
است. یعنی از هر ده نفر،  
یک نفر به خودکشی مبادرت  
میکنند که رقم بسیار بالایی  
است

مددکار اجتماعی نیز برای سرگرمی شبها بینگو بازی میکند! البته در دهکده سرخپوست ها ماشین قمار نیست. ماشین های لاتاری و ویدیو در دو میخانه ای که محل رفت آمد سفید ها ست، کار گذاشته شده است. ۵ دستگاه ماشین از ۸ صبح تا ۳ نیمه شب در اختیار مردم فلک زده قرار می گیرد. در عوض ماشین ها خوب کار میکنند و هر سال ۴ میلیون دلار برای لوتو کبک پول میسازند

ماشین ها نه فقط پول که شادی را نیز از شهر گرفته اند. در این میان شرائط بچه ها از بقیه بدتر است، بیشتر دانش آموزان گرسنه هستند و وقتی به مدرسه میآیند هنوز صبحانه نخورده اند. نه برای اینکه میل شان نکشیده بلکه چون در خانه هایشان چیزی برای خوردن نیست. والدین آنها هر شب پولهایشان را در ماشین ها میریزند. مادر ۱۲ فرزند میگوید: «من تا آخرین سکه جیبم را در آن ماشین ها ریختم. هر بار به خودم میگفتم اینبار برنده خواهم شد! اما دریغ از «یک سنت

دخترکی که از او در باره ماشین ها سؤال میکنند



خبر خودکشی یک دختر ۱۹ ساله همیشه تکان دهنده است. حتی اگر در منطقه ای پرت مانند شفرویل باشد. دهکده سرخپوستی نزدیک به قطب شمال، متروک و در هم پیچیده از تند بادهای قطبی که برای رفتن به آنجا حتی جاده شوسه وجود ندارد و تنها راه ارتباط با آن، قطار است. شفرویل فراموش شده، تا همین ۲۰ سال پیش شهر معدنی به شمار میآمد و کارگران قراردادی را به خود جذب میکرد ولی پس از خالی شدن معدن، شهر نیز رو به ویرانی رفت. خانه ها، استخر، مرکز تفریحات و حتی تنها بیمارستان شهر تعطیل شد. تنها ۲۰۰ نفر سفید و ۱۵۰۰ سرخپوست که شفرویل موطن اصلی و تاریخی آنها بود در آنجا باقی ماندند.

ولی اگر همه شفرویل را فراموش کردند، لوتو کبک این کار را نکرد و معلوم نیست با کدام وسیله ۱۰ ماشین بازی قمار را به آن دهکده قطبی کشاند. برای جامعه بومیان شفرویل که قبل از آن هم مشکلات اجتماعی فراوانی داشتند و فقر، اعتیاد به الکل و مواد مخدر، فرزند آزاری جنسی و مهاجرت جوانان، حیات جامعه را مرتب از درون تحلیل میبرد، شیوع قمار در واقع تیر خلاصی بر پیکر نیمه جان بود. نتیجه اجتماعی ماشین های لوتو که تا آخرین سکه ها را می بلعیدند، بلافاصله خود را نشان داد! آمار خودکشی در میان این دهکده دور افتاده شمالی در مدتی کوتاه به ۱۲ برابر میانگین استان کبک رسید. خبر خودکشی های مکرر، اکیب خبرنگاران رادیو کانادا را به شفرویل کشاند. خبرنگاران: «اکیب آنجو» وضعیت شهر را اینگونه توصیف کردند

در یک اجتماع ۷۰۰ نفری در عرض یکسال ۷۵ مورد خودکشی به وقوع پیوسته است. یعنی از هر ده نفر، یک نفر به خودکشی مبادرت میکند که رقم بسیار بالایی است. در چنین وضعیت بحران اجتماعی و انبوه مشکلات فقط یک مددکار وجود دارد که شبانه روز و بدون کمک در اورژانس مشغول به کار است! او نه تنها باید به نجات یافتگان یا بیمارانی که وضعیت بحرانی دارند برسد بلکه وظیفه رسیدگی به بچه های یتیم و بازماندگان افراد خودکشی کرده را هم به عهده دارد. باید حداقل چند مددکار و روانشناس به شفرویل بیایند. تنها روانشناس شهر چندی پیش کارش را رها کرد و از اینجا رفت. خودش افسردگی شدید گرفته بود! حالا فقط یک روانپزشک شهر همسایه است که ماهی یکبار به شفرویل میآید تا به خیل بیماران برسد. اعتیاد به الکل و مواد مخدر اپیدمی شده است. جوان ها و بهترین نیروها منطقه را ترک میکنند تا از فقر و ناامیدی نجات پیدا کنند. آنها که باقی میمانند، ۸۰

## مطالب رسیده از خوانندگان

### یک نتیجه جدید علمی: نان خمیر ترش مفید تر از نان سبوس دار؟

#### ● پروین زرسا و

بیولوژیست و همیوپت

مونترال

هفته گذشته خبرگزاری کانادا پرس گزارش کرد که پروفیسور تری گراهام terry Graham از دانشگاه گوالف Guelph که در زمینه کربوهیدراتها، یعنی مواد غذایی مثل نشاسته و قندها، کار می کند، تحقیقاتی درباره نان انجام داده است. این محقق و گروهش، پروسه هضم انواع نان ها در دستگاه گوارش را بررسی کردند، برای تحقیقات، انواع نان ها مثل نان سفید، نان سبوس دار، نان سبوس دار با جو و نان با آرد سفید اما و آمده با خمیر ترش را مورد مطالعه قرار دادند. این تحقیقات روی ۱۰ مرد در سنین بین ۵۰ تا ۶۰ که دارای اضافه وزن بودند انجام شد. نتیجه ای که به دست آوردند نشان داده که میزان قند خون در زمان مصرف نان با خمیر ترش خیلی پائین تر از زمانی است که نان های نوع دیگر مصرف میشود. یعنی تاثیر مفید این نان برای مدتی در خون باقی می ماند. در صورتیکه نان های دیگر که با مخمر و آمده بودند، اعم از سفید یا سبوس دار این خاصیت را نداشتند. یعنی میزان قند خون با مصرف انواع نان های ور نیامده (تخمیر نشده) و یا و آمده با مخمر، بدون محیط اسیدی، خاصیت کاهش قند خون را نداشتند. این بدین معناست که نان حاوی خمیر ترش عمل کردی مشابه انسولین در خون داشته و این موضوع به خصوص برای افراد دیابتی میتواند جالب باشد.

تحقیق مشابهی حدود ۱۳ سال پیش در یک گروه شیمی مواد غذایی در ایران هم انجام شده بود. ولی آنها بیشتر روی اثر خمیر ترش در روند تخمیر خمیر مطالعه کرده بودند. یکی دیگر از جوانب غذایی مثبت استفاده از خمیر ترش این است که سبب کاهش اسید فیتیک می شود. این اسید در صورتی که وارد دستگاه گوارش شود با فلزات کمیاب (مثل روی و آهن) موجود در بدن ترکیب شده و موجب دفع آنها می شود که می تواند به کمبود این دو فلز مفید در بدن بیانجامد. تحقیق مذکور در ایران همچنین گروهی را که بیشتر نان لواش می خوردند مورد بررسی قرار داده بود. می دانیم که نان لواش از خمیر ور نیامده درست می شود. این تحقیق نشان داد که افراد مبتلا به کمبود روی در این دسته به مراتب بیشتر بودند. نتیجه اینکه به نظر می آید اگر خمیر نان توسط خمیر ترش بمدت چند ساعت بماند یعنی خمیر به اصطلاح در شرایط اسیدی ور بیاید، ملکول این اسید شکسته شده و دیگر مضرات خمیر ور نیامده در شرایط غیر اسیدی را ندارد.

اما مهمترین نکته در تحقیقات این است که نان تهیه شده با خمیر ترش می تواند بویژه برای افراد دیابتی مفید باشد چون تا حدودی نقش انسولین را در دستگاه گوارش اجرا می کند. نتیجه این تحقیق در مجله British Nutrition به چاپ رسیده است.

### وزیر مهاجرت و تغییرات جدید: درخواست مشاوره از صاحب نظران در مورد اولویت بندی متقاضیان مهاجرت

#### ● دکتر علی مختاری

متخصص امور مهاجرت

www.parscanada.com

بر اساس اخبار ارسالی تارنمای رسمی اداره مهاجرت کانادا، روز سوم جولای ۲۰۰۸ خانم دیان فیلی وزیر مهاجرت کانادا طی فراخوانی از صاحب نظران و مدیران دولتی فدرال و استانها خواست تا نظرات خود را در خصوص اولویتهای برنامه مهاجرت کانادا اعلام کنند. منظور از اولویتهای در حقیقت توصیف دقیق نیاز بازار کار کانادا است به این معنا که این بازار به چه نوع تخصصهایی نیاز دارد. این فراخوان به دنبال تصویب لایحه جنجالی C-۵۰ در پارلمان، داده شده است. بر اساس این تغییرات کانادا در نظر دارد برنامه جذب مهاجرین خود را با نیاز بازار کار کانادا هماهنگ کند. برای متقاضیان مهاجرت به کانادا معنای این لایحه این خواهد بود که با تعیین اولویتهای پرونده افرادی که به آنها نیاز دارد ولی فوریت ندارد برای رسیدگی عادی در لیست انتظار می گذارد و پرونده افرادی که به آنها اصلا نیاز ندارد پس فرستاده میشود. به این ترتیب اداره مهاجرت از یک سو از طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده ها جلوگیری می کند و از سوی دیگر در رقابت با استرالیا و دیگر کشورهای مهاجر پذیر عقب نمی ماند. البته هنوز هم در نیت واقعی دولت محافظه کار جای اما و اگر باقی است ولی به نظر می رسد خانم وزیر گامهای حساب شده ای نظیر فراخوان صاحب نظران را، برای رفع نگرانیهای برمی دارد که خود جای امیدواری است.

به گفته خانم وزیر قرار است پرونده نیروهای متخصص به جای اینکه شش سال طول بکشد در ۶ تا ۱۲ ماه رسیدگی شود. بر اساس گفته های خانم وزیر همچنین زمینه هایی فراهم شده است تا مدارک دانشگاهی و تخصصی مهاجرین ارزیابی منطقی تری شود تا افراد بتوانند در تخصص خود به کار اشتغال یابند.

لازم به یاد آوری است که این تغییرات در مورد پرونده هایی اعمال می شود که در تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۰۸، و بعد از آن گشوده شده اند. در مورد پرونده هایی که پیش از این تاریخ دریافت شده اند بر همان روال سابق رسیدگی می شود به این معنا که پرونده ها به ترتیب تاریخ دریافت و بدون در نظر گرفتن اولویتهای مورد نظر، مورد بررسی قرار می گیرند.

همچنین این تغییرات در مورد پرونده های استانی اعمال نمی شود و در خصوص پرونده های کبک و نیز سایر استانها همان روال سابق برقرار است. رسیدگی به پرونده های نیروی متخصص فدرال گشوده شده پس از تاریخ ۲۷ فوریه تا زمان تعیین تکلیف نهایی تغییرات، متوقف شده است. البته متقاضیانی که پیشنهاد کار در پرونده خود دارند از این قاعده مستثنی شده اند و به پرونده آنها رسیدگی خواهد شد.

از شما عزیزان جهت همکاری با هفته سپاسگزاریم



## سن لوران: شاهراهی به کانادا، آبراهی حیاتی

### ● لیلی خاقانی

این سرزمین آمدند آن را Morues که عنوان یک نوع ماهی است، نامیدند. برخی نیز آن را «گراند ریور» خواندند.

در سال ۱۵۳۵ میلادی ژاک کارتیه، از اهالی منطقه سن مالو فرانسه به کبک گام نهاد و اولین صلیب را بر رود سن لوران نشان داد و به نام فرانسوای اول پادشاه فرانسه رسماً مالکیت کبک را اعلام کرد. طبق نظر مورخین او کسی است که اسمش به عنوان کاشف دره سن لوران در تاریخ ثبت شده است.

فرانسوی‌ها این رود را با عنوان «Le Fleuve Saint-Laurent» می‌شناسند و در انگلیسی به آن «Saint Lawrence river» می‌گویند. کلمه «Fleuve» در فرانسه به معنی رودی است بسیار پهن و گسترده که به اقیانوس راه دارد. و متفاوت است با «Rivière» که به رودهای کوچکتر گفته می‌شود. اما در انگلیسی کلمه‌ای که بتواند این معنی را برساند و جایگزین «Fleuve» شود وجود ندارد و به همین دلیل ناچاراً «river» به کار برده می‌شود. خوب است بدانیم که این

کبک گذشته، در مونترال با پیوستن رود «Trois-Rivières» با پیوستن رود سن موریس به آن و بعد از گذشتن از شهر کبک، بالاخره به بزرگترین مصب دنیا یعنی خلیج سن لوران وارد شده و از آنجا به اقیانوس اطلس می‌پیوندد.

سن لوران از سرچشمه اصلی خود در آمریکا ۳۰۵۸ کیلومتر و از دریاچه اونتاریو در کینگ استون ۱۱۹۷ کیلومتر طی میکند تا به مصب برسد. به عبارت دیگر از سرچشمه تا مصب نزدیک به چهارهزار کیلومتر راه طی می‌کند. جهت جریان این رود از جنوب غربی به شمال شرقی است.

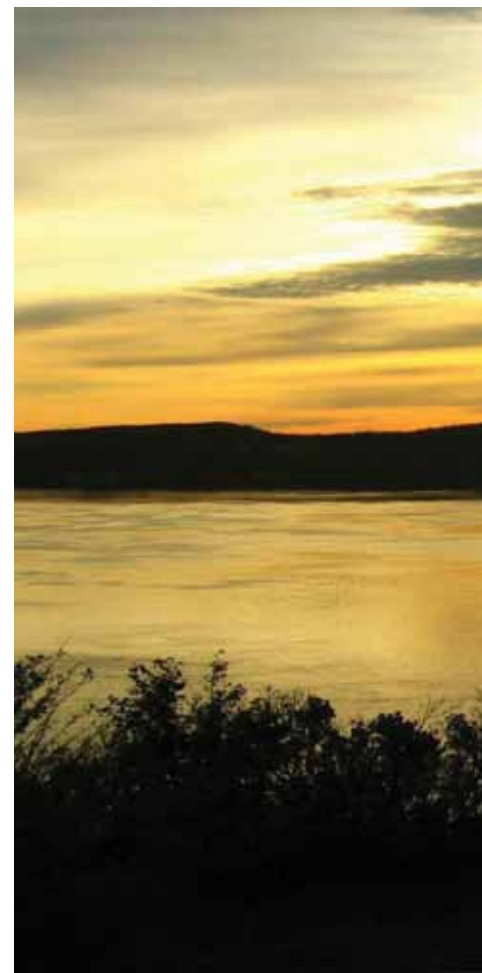
آنچه ما از کانادا می‌شناسیم معمولاً به تاریخ اروپاییان در این سرزمین باز می‌گردد اما کند و کاوهای باستان‌شناسی حاکی از آن است که از نه هزار سال قبل از میلاد مسیح، بومیان سرخپوست کانادا «Amérindiennes» در حاشیه این رود ساکن بوده و آن را به اسم «Magtogoek» می‌نامیدند یعنی «جاده‌ای که راه می‌رود». اولین ماجراجویان اروپایی که به

ما در جزیره مونترال زندگی می‌کنیم. جزیره بودن شهر زیبای ما و امطار رود بزرگ سن لوران است که در عین حال به مونترال شخصیت خاص بخشیده است. اما این تمام ماجرا در باره سن لوران نیست. راستی در باره این رود که هر روز نام آن را می‌شنویم، از کنار و از روی آن عبور می‌کنیم و یا از پیاده روی در کنار آن لذت می‌بریم چه می‌دانیم؟ مثلاً آیا می‌دانیم که از سرچشمه تا اقیانوس بیش از سه هزار کیلومتر طول دارد. آیا می‌دانیم که سن لوران دروازه ورود اروپایی‌ها به کانادا بوده است؟ یا اینکه آیا می‌دانیم چند پل داخل و خارج جزیره مونترال را به هم وصل می‌کنند؟

بگذارید با هم به سفر اکتشافی این آبراه حیاتی کانادا برویم.

سن لوران از دریاچه اونتاریو در کینگ استون آغاز می‌شود و در منطقه بروک ویل و کرن وال، به اندازه ۲۰۰ کیلومتر مرز بین ایالت نیویورک و اونتاریو را تشکیل می‌دهد. این آبراه غول‌آسای پیچ در پیچ سپس از ایالت

در طی سه قرن سن لوران در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کبک نقش بسیار مهمی بازی کرده است. یعنی در واقع کبک امروزی را سن لوران ساخته است. قابل ذکر است که ۸۰ درصد جمعیت کبک در کناره های این رود بزرگ زندگی می کنند. و نصف این جمعیت آب آشامیدنی خود را از آن می گیرند.



رونق گرفت همین مسئله باعث شد که مردم بومی حاشیه نشین رود که متکی به صید ماهی بودند، نحوه زندگی شان تغییر یافته و جهت شکار حیوانات و بدست آوردن پوست آنان از حاشیه به مراکز کشور پیشروی بکنند. بدین ترتیب بود که زندگی بومیان شکل تازه ای گرفت.

فرانسوی های حاضر در منطقه نیز برای بدست آوردن پول بیشتر در سرزمین ها پیشرفت کرده و مناطق جدیدی را کشف می کردند. در این قرن رود سن لوران مورد توجه بسیاری قرار گرفت. چرا که راه ارتباطی اروپا و سرزمین تازه کشف شده بود. و رفت آمد های بسیار زیادی روی آن انجام میشد و هر سال مهاجرین بیشتری را از اروپا با خود وارد این کشور می کرد. به خصوص برای کبکی ها رود سن لوران در واقع قلب تپنده کبک به شمار می رود و از اهمیت به سزایی برخوردار است. در ابتدای کولونیزاسیون به عنوان در ورودی محسوب می شد و برای اروپائینی که می خواستند وارد آمریکا شوند تنها راه ورود بود.

در طی سه قرن سن لوران در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کبک نقش بسیار مهمی بازی کرده است. یعنی در واقع کبک امروزی را سن لوران ساخته است. قابل ذکر است که ۸۰ درصد جمعیت کبک در کناره های این رود بزرگ زندگی می کنند. و نصف این جمعیت آب آشامیدنی خود را از آن می گیرند.

شهر کبک که در سال ۱۶۰۸ بوسیله ساموئل دو شامپلن پایه گذاری شده است در طول قرن ها نقشی استراتژیک در تاریخ استان کبک داشته است. در ابتدا از تجارت پوست شروع شد و به تدریج به عنوان محل سکونت اروپائیان برگزیده شده و بصورت یک بندر بین المللی جهت ورود و خروج کشتی ها در آمد و همه اینها باعث توسعه اقتصادی این شهر شد و نتیجتا بصورت پایتخت بخشی که تحت تسلط فرانسه بود و فرانسه جدید Nouvelle France نامیده می شد درآمد امروزه با وجود ایجاد شهر ها در نقاط مختلف کانادا و آمریکا، گسترش راه آهن، جاده ها و حمل و نقل هوایی، سن لوران علاوه بر زیبایی طبیعی، همچنان از اهمیت ویژه اقتصادی برخوردار است چرا که در زمان حاضر هنوز هم به عنوان یک راه دریایی بسیار مهم تلقی میشود چون دریاچه های بزرگ کانادا به توسط آن به اقیانوس راه پیدا می کنند. این آبراه در فرانسه رود به یاد Laurent de Rome نامگذاری شده است. لوران دو رم در سال ۲۱۰ یا ۲۲۰ میلادی، در شهر Huesca در اسپانیا به دنیا آمد و در سال ۲۵۸ به عنوان یک محکوم به مرگ روی اجاق سوزانده شد. و هر سال در ۱۰ اوت یاد او را گرامی می دارند. او در جوانی وارد مدرسه مذهبی شد و پس از اتمام تحصیلات یکی از هفت کشیش کلیسای رومن شد. و از طرف کلیسا مسئول حفاظت از اموال و ثروت های کلیسا و پخش آن بین فقرا گردید. ولی بعد از جا به جایی هایی در کلیسا او به گناه پخش ثروت کلیسا بین فقرا و ایاتم مورد اتهام قرار گرفت و این بهانه ای شد که او به شکنجه و مرگ محکوم شود. در حالیکه گناهی به جز حمایت از مستمندان و بی سرپرستان نداشت و بالاخره با سوختن روی اجاق، اسمش در ردیف شهدای کاتولیک ثبت شد.

رود سن لوران نقشی بنیادی در تاریخ کانادا، به خصوص کبک دارد. از قرن ۱۷ میلادی که پای اروپائیان به طور اعم از طریق این آبراه به کانادا باز شد، تجارت پوست

راود سن لوران نقشی بنیادی در تاریخ کانادا، به خصوص کبک دارد. از قرن ۱۷ میلادی که پای اروپائیان به طور اعم از طریق این آبراه به کانادا باز شد، تجارت پوست

## نیاز مندیها

پیش شماره های نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

<b>اتومبیل (اجاره و فروش)</b>	
۹۹۳-۷۰۸۵	اتوزین
۴۸۲-۴۵۰۰	الگانس
۴۸۶-۵۶۷۰	شان اتو
۴۸۲-۴۵۰۰	لیزینگ کمپانی
<b>اتومبیل (تعمیرگاه)</b>	
۴۸۴-۴۴۸۱	اطلس
۳۶۴-۶۴۰۰۶	آی تی ام
۷۷۷-۶۴۲۱	خرید ماشین اوراقی
۶۳۷-۳۳۳۶	Autoride
۹۳۳-۰۸۸۳	Pieces d'Auto
<b>آرایشگاه-زیبایی-اسپا</b>	
۵۵۱-۰۰۸۸	اکسپرت
۸۲۷-۲۹۰۰	استاتیک لی لی
۶۲۶-۸۶۶۶	خانه زیبایی فریده
۵۲۲-۵۲۵۲	زارا
۴۸۱-۶۷۶۵	زهره
۹۳۴-۳۳۷۴	رویا
۳۳۳-۷۳۰۹	سیروس
۴۸۹-۶۹۰۱	شهرزاد
۹۷۵-۳۰۰۲	مانی
۸۴۰-۰۹۰۹	مون رویال
۷۷۲-۵۷۸۷	Esthemedica
<b>اوز</b>	
۹۳۷-۵۱۵۲	بیژن احمدی
۸۴۸-۵۹۹۹	ام با ام
۲۸۹-۹۰۱۱	پاسیفیک
۸۴۶-۲۱۶۸	پنج ستاره
۹۸۹-۲۲۲۹	خضر
۲۲۳-۶۴۰۸	شریف
۴۸۵-۶۰۰۰	مانی وایز
<b>ازدواج و طلاق</b>	
۳۶۶-۱۵۰۹	شیخ صالح سیبویه
<b>آژانس های مسافرتی</b>	
۲۴۲-۰۴۴۸	امیر- اسکای لان
۲۷۰-۴۷۲۶	افروالمپیک
۹۳۸۷۲۷۷	پارس تورز
۳۹۷-۹۲۲۱	نسرین پارسا
	داخلي: ۲۴۳
۸۴۲-۸۰۰۰	فرناز معتمدی
	داخلي: ۲۹۶
۳۴۴-۸۸۸۸	گام
۴۲۱-۰۲۴۴	Amro Travel
<b>الکتریکی (تعمیرات)</b>	
۴۲۶-۴۵۲	الکتروتک
۴۲۸-۰۶۵۰	امید
۵۲۷-۸۸۱۴	سولوسیون پلاس

اطلاعیه زیر توسط « کمیته یادمان کشتار دهه ۶۰ » مونترال صادر شده و برای انتشار در اختیار هفته گذاشته شده است.  
تحریریه هفت

## اطلاعیه « کمیته یادمان کشتار دهه ۶۰ »

### « شب از ستارگان روشن است »

بیاد همه جانباختگان دهه شصت  
بمناسبت بیستمین سالگرد کشتار تابستان ۶۷  
۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۸ مونترال - کانادا

نقطه اوج یک دهه کشتار وسیع زندانیان سیاسی در ایران، کشتار تابستان ۶۷ بود که به لحاظ شکل، محتوی و شدت در تاریخ معاصر ایران بی سابقه بوده است.  
به گفته سازمان عفو بین الملل، این کشتار برابر با جنایت علیه بشریت میباشد.

کشتار فرزندان ایران در زندانهای جمهوری اسلامی فاجعه ایست غیر انسانی و فراموش نشدنی. به منظور بررسی آنچه که بر ما گذشته و می گذرد و بمناسبت بیستمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی تابستان ۶۷، سمیناری سه روزه در رابطه با بررسی هنر و ادبیات مقاومت در زندان، در دانشگاه کبک - مونترال برگزار می کنیم. از آنجا که تجربه دیکتاتوری، قتل، شکنجه و زندان، تنها متعلق به ایران نیست و دیگر ملل نیز چنین بیرحمی های تاریخ و بی عدالتی را تجربه کرده و می کنند، لازم دانستیم که تجربیات مان را برای دفاع از حقانیت جمعی مان با آنان تقسیم کنیم. در نتیجه برای این منظور سخنرانان و فیلمهایی از آسیا، امریکای لاتین و خاور میانه در نظر گرفته شده است.

برای اطلاع بیشتری توانید به آدرس وب-سایت مان مراجعه فرمائید  
www.1980smassacre.com  
info@1980smassacre.com  
(۵۱۴)۷۶۲-۴۲۴۵

« کمیته یادمان کشتار دهه ۶۰ »  
۱۵ ژوئیه ۲۰۰۸ مونترال - کانادا



متن فرمان روح  
الله خمینی، رهبر  
جمهوری اسلامی جهت  
مشروعیت بخشیدن  
به کشتار زندانیان در  
سال  
۱۳۶۷ <--

۴۵۸-۱۲۰۶	حسین فلسفی
۴۶۶-۶۰۰۰	پرویز قائمی
۴۲۶-۴۵۴۵	ایرج قائمی
۸۸۰-۷۱۷۱	سحر کریمیان
۸۰۲-۲۳۴۹	سوسن گوئل
۴۲۶-۴۵۴۵	هلن گیورگیس
۸۱۶-۴۰۸۰	نینوس گیورگیزینیا
۴۲۶-۴۵۴۵	رضا نژاد
۶۰۸-۳۲۶۸	داود وثوقیان
۸۲۷-۶۳۶۴	فیروز همیتیان
<b>فان و شیرینی</b>	
۴۸۳-۶۵۵۵	سرای ۵۹
۹۸۹-۷۵۱۴	نخودچی
<b>نو سازی و تعمیرات ساختمان</b>	
۸۳۵-۶۲۴۳	تی.ام.ان
۵۷۳-۸۱۱۸	ایرکا- فرهاد زرعی
۹۹۶-۲۷۲۵	انواع سنگ
<b>نظافت منزل و محل کار</b>	
۶۵۵-۷۶۷۲	آر-اند-اف
<b>موسیقی: ساز- سی.دی- ویدئو</b>	
۲۲۳ ۳۳ ۳۶	تپیش
۹۰۹-۶۲۶۴	پیانو
<b>مهاجرت- وکیل</b>	
۷۴۴-۰۸۲۵	فیوره بلانزه
۲۸۸-۴۰۵۰	گلشاد درودی
۲۷۸-۳۶۷۹	شاهی
۳۷۷-۰۴۹۰	روشا عشریه
۸۸۶-۳۸۲۶	شوکا عشریه
۳۹۵-۰۵۲۲	علی غلامپور
۲۷۱-۸۹۷۵	رضا محمود بیگ
۶۵۱-۴۷۲۶	علی مختاری
۳۹۲-۰۰۵۰	رضا ناظم
۹۵۴-۹۹۹۸	ونسان والابی

### آگهی های شخصی و غیر تجاری

به فروش می رسد:  
 ۱- جعبه ابزار مکانیکی کامل، با مارک شناخته شده  
 ۲- دوچرخه برقی قابل شارژ  
 Tel: (514)485-0015

۴۸۸-۷۱۲۱	رز
۹۶۲-۷۳۹۲	رضا بلادی
<b>فرش</b>	
۳۸۵-۱۸۱۸	تهران
۲۷۷-۸۰۰۰	قصر فرش
<b>فروشگاه ها</b>	
۶۲۰-۵۵۵۱	اخوان
۳۸۲-۸۶۰۶	ادونیس
۴۵۰-۹۲۳-۳۸۶۸	افغانی
۹۲۳-۸۵۶۸	الشلال
۴۸۹-۳۲۲۶	راکی مونتانا
۴۵۰-۶۷۶-۹۵۵۰	کوه نور
۳۶۹-۳۴۷۴	سن لوران
۴۸۶-۴۱۱۳	یک دلاری
۴۲۱-۳۴۷۸	مارشه سیروس
۸۶۱-۳۴۷۴	مواد دریایی کاسپین
۹۳۲-۲۰۹۹	نور
۴۵۰-۹۰۴-۴۹۰۰	وطن
۸۴۵-۰۱۸۶	ویاند سن لورن
۳۶۵-۲۲۲۱	هانوپاک
<b>کامپیوتر</b>	
۹۱۸-۴۷۳۶	انترکام
۴۸۵-۱۰۰۰	انکس مدیا
۲۹۴-۸۲۴۲	آموزش کامپیوتر
۶۲۶-۷۵۰۶	برنامه نویسی- وب
۲۹۰-۲۲۱۲	جی اچ دی، گارت
<b>گل</b>	
۹۸۳-۱۷۲۶	لینک فلاور- وحید
<b>مجالس - جشن ها - سفره عقد</b>	
۸۲۵-۳۱۷۰	لیلی صمیمی
۶۸۳-۸۵۵۶	هدیه
<b>مراکز مذهبی</b>	
۷۲۷-۶۶۶۶	الزهرا
۸۴۹-۰۷۵۳	انجمن بهایی
۷۷۷-۶۴۲۱	کلیسای شاهراه
	مقدس
۳۶۶-۱۵۰۹	مرکز اسلامی ایرانیان
<b>مشاور املاک</b>	
۴۲۱-۷۸۸۸	محمد اجزاچی
۴۲۶-۴۵۴۵	افسانه انصاری
۸۹۸-۱۵۹۰	همایون انصاری
۵۷۶-۴۱۵۵	یاس انصاری
۷۳۱-۷۵۷۵	فرخنده بدافی
۴۹۷-۲۵۶۷	فریبا جانفزا
۸۱۴-۱۸۴۴	میترا چنگیزی
۹۹۸-۹۱۴۷	نعیمه چنگیزی
۴۲۶-۹۵۹۵	ژاله حافظی
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار
۷۹۲-۴۵۷۷	مینا صالحی
۳۶۴-۳۳۱۵	سپهر صفائی

<b>حسابداری</b>	
۷۳۵-۰۴۵۲	حسن انصاری
۴۸۶-۵۵۴۷	همایون خاتمی
۴۸۷-۱۵۶۶	شکيب نیا
۸۰۶-۰۰۶۰	عباس شفیعی
۴۹۲-۷۰۰۷	مجتبی میر عابدینی
۳۶۲-۰۳۸۲	ریاض حق
<b>حمل و نقل</b>	
۳۸۴-۵۶۳۲	پارس ماریتایم
۸۴۹-۵۶۶۱	کی بی ترانسپورت
<b>خیاطی</b>	
۹۳۴-۵۶۰۰	Excel plus
<b>دندان پزشکی</b>	
۹۳۳-۳۳۳۷	مهری حدیری
۹۳۳-۳۳۳۷	شهرزاد نیا
۶۸۴-۰۱۳۵	معصومه دولتشاهی
۶۳۴-۷۲۸۱	راضیه رضوی
۷۳۱-۱۴۴۳	شریف نائینی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی شفیعی
۶۹۵-۸۶۴۱	رامین میرموجی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی مهبیو
<b>دندان سازی</b>	
۷۳۷-۶۳۶۳	افخم هادی
<b>رسانه های گروهی</b>	
۴۸۳-۲۰۷۰	اعتبار
۸۴۸-۱۷۷۱	بازار
۵۷۵-۸۴۵۱	پوشه
۶۲۰-۸۳۳۱	پیوند
۳۸۵-۴۷۲۶	تلویزیون
۷۸۷-۸۸۴۸	رادبو چکاوک
۷۸۷-۸۸۴۸	چکاوک هفته
<b>رستوران- پیتزا - کترینگ</b>	
۹۳۱-۱۹۹۹	الطیب
۸۳۱-۱۴۸۴	بانو
۶۷۰-۸۴۰۰	پارس
۴۵۰-۶۷۸-۹۳۲۲	جویان کباب
۳۴۳-۰۳۴۳	دابل پیتزا
۴۸۳-۶۵۵۵	سرای ۵۹
۴۸۵-۲۹۲۹	شیراز
۶۷۷-۴۷۲۶	کترینگ ظریف
۲۷۰-۸۴۳۷	فاروس
۴۸۳-۶۹۹۰	کارون
۹۳۳-۰۹۳۳	کباب سرا
۴۸۳-۰۰۰۰	کیلی
۴۸۴-۸۰۷۲	گلپه عموجمال
۸۴۹-۱۳۳۵	گورمه گرگ
۸۰۷-۸۷۴۷	گیلان
۳۶۳-۴۴۴۴	گی ملو
۸۴۶-۱۹۴۷	نیلوفر
۳۱۵-۷۹۹۴	Cafe420
<b>روانشناسی- روان گاو</b>	
۲۲۳-۶۵۴۲	حمیرا قاسم نژاد
۸۴۹-۷۳۶۸	مهناز کاظمی
<b>عکاسی و ویدیو</b>	
۴۸۸-۳۳۵۳	فتوکپی ان دی جی
۸۴۶-۰۲۲۱	فتوشاپ

<b>الکترونیکی (تعمیرات)</b>	
۴۲۶-۴۵۲	الکتروتک
۴۲۸-۰۶۵۰	امید
۵۲۷-۸۸۱۴	سولوسیون پلاس
<b>آموزش</b>	
۷۳۹-۳۰۱۰	انستیتو تکنیک
۳۶۸-۹۰۱۲	پروین عبائی-
	فارسی
۹۳۷-۱۷۷۷	کالج ابو علی سینا
۸۶۸-۶۲۶۲	کانادا کالج
۶۲۶-۵۵۲۰	مدرسه وست آیلند
۶۴۸-۱۹۱۲	مدرسه دهخدا
<b>آموزش (رانندگی)</b>	
۹۸۹-۲۱۲۱	امگا
۹۳۷-۲۸۸۸	ناسیونال
۸۰۷-۲۷۸۳	Best
۵۶۸-۳۸۴۸	cool driving
<b>بیمه و سرمایه گذاری</b>	
۸۸۵-۴۳۶۸	هادی اسلامی وطن
۴۸۳-۲۰۷۰	گروه مالی انصاری
	داخلی: ۲۳۵
	علی پاکنژاد
۲۹۶-۹۰۷۱	سمیرا مظفری
۹۲۷-۳۵۰۴	سهراب مهمان دوست
<b>پزشکی</b>	
۴۸۱-۰۶۷۱	فرهت- عینک
	ساز
۴۶۶-۱۸۸۰	میرا- کلینیک
<b>پزشکی جایگزین</b>	
۹۳۱-۸۲۷۴	پروین زرساوا-
	همیویت
۹۷۹-۲۱۲۰	هیپنوتیزم- علی
	سلیمی
<b>تابلو سازی</b>	
۹۳۱-۷۷۷۹	پلکسی
۹۳۱-۹۸۳۴	حمید
<b>ترجمه</b>	
۲۴۶-۸۴۸۶	حمود ایزدی
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی
۷۳۰-۷۴۶۲	آرزو تحویل داری یکتا
<b>دارو خانه</b>	
۲۸۸-۴۸۶۴	لوتیز داداش زاده
<b>دعوتنامه رسمی</b>	
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی



## سفر به اعماق زمان و آغاز مکان

بخش سوم: «آیا در آغاز فقط گوی آتشین بود و دیگر هیچ نبود؟»

● دکتر امید صارمی - مک گیل - مونترال

پس در نتیجه مهبانگ، یعنی آن انفجار مهیبی که صدای آن هنوز در گوش ماست و من بعداً به توضیح در باره این صدا برمی گردم، حدود ۱۵ میلیارد سال پیش بوده است. این لحظه آغاز زمان و مکان است!!

تصویری را که تا کنون از تحول جهان آغازین ساختیم، می توان اینگونه خلاصه کرد که عالم از گوی آتشین اولیه ای که بسیار داغ و چگال بوده و تراکم آن تقریباً بی نهایت بوده، تحول پیدا کرده است. این تصویر کمی غیر قابل تصور به نظر می رسد! بگذارید بگویم چرا. وقتی به جهان دور و برمان نگاه میکنیم اگر همه ماده و انرژی که می بینیم با هم جمع بزنیم، به زودی باور می کنیم که جهان ما حاوی مقداری انرژی و جرم باور نکردنی است. اگر تصویر تئوری مهبانگ را بپذیریم، باید باور کنیم همه این مقادیر شگفت انگیز انرژی و جرم در نقطه ای بسیار بسیار کوچکتر از اندازه سر سوزن جمع بوده است! می خواهیم بگویم که این تصور کاملاً هم درست نیست... کل انرژی موجود در جهان وقتی اندازه آن بسیار کوچک بوده ( یعنی در مراحل نخستین انبساط جهان) صفر بوده است!! بله! صفر

توضیح این است که انرژی کل جهان در واقع مجموع « انرژی و ماده به صورتی که می بینیم» بعلاوه « انرژی ذخیره شده در میدان جاذبه» است. انرژی موجود در میدان جاذبه همیشه منفی است. و قدر مطلقش تقریباً برابر است با انرژی و ماده در جهان! پس مجموع کل انرژی عالم تقریباً صفر است.

در مراحل اولیه انبساط، انرژی موجود در میدان جاذبه به انرژی و ماده به گونه ای که می شناسیم تبدیل شده است. تصور ما از « گوی آتشین اولیه» توده ای پلاسما گونه است که در آن ذرات به اجزای باردار تشکیل دهنده شان تجزیه شده اند. چگونه از این صورت «ماده بی شکل»، کهکشانشها و ستارگان شکل گرفته اند؟ آیا هیچ شاهد تجربی و یا حتی بقایایی از « گوی آتشین اولیه» موجود است؟ برای یافتن جواب به این سئوالهای شگفت انگیز یک هفته دیگر صبر کنید...

قسمت پیشین این بحث را با این سؤال به پایان بردیم: عمر جهان چقدر است؟ این سئوالی است که هر کسی از منظر خود زمانی به آن اندیشیده است. اگر جهان ما ساکن بود پاسخ به این سؤال می توانست ساده باشد. به احتمال قوی عمر جهان بی نهایت است. یعنی اینکه این جهان ساکن، از ازل وجود داشته است. اما همانطور که در گذشته به آن اشاره شد، شرایط تجربی نشان می دهد که جهان ما می بایست در جریان یک انفجار بزرگ خلق شده باشد. این بدین معنی است که لحظه آغازینی در کار بوده و عمر جهان باید محدود باشد. حالا ببینیم چگونه می توان عمر جهان را اندازه گرفت؟ واقعیت این است که نمی توان روشهای معمولی قدمت سنجی را برای اندازه گیری عمر جهان به کار برد. مثلاً نمی توان تمام کهکشانهای عالم را شناسایی نمود تا پیرترین مجموعه کهکشانی را پیدا کرد! هر چند این کار به طور محدود قابل انجام است) راه بهتر انجام این کار استفاده از این واقعیت است که جهان ما در حال انبساط است. در واقع اگر ما آهنگ(سرعت) انبساط جهان را اندازه بگیریم، قادر خواهیم بود به تخمین معقولی در مورد عمر جهان دست یابیم. برای درک این موضوع کافی است توجه کنیم که اگر سرعت انبساط جهان زیاد می بود، جهان برای رسیدن به ابعاد کنونی اش زمان کمتری صرف می کرد و بر عکس. در نتیجه سرعت انبساط جهان معیار خوبی برای طول عمر جهان ما خواهد بود. آهنگ انبساط جهان « ثابت هابل» نامیده می شود. و کههان شناسانی که در رصدخانه ها کار می کنند، قادرند به طور مستقیم، آن را اندازه گیری کنند. برای اندازه گیری سرعت انبساط، در واقع سرعت فرار و فاصله تعداد بسیار زیادی کهکشان را در عالم اندازه می گیرند. اگر سرعت بدست آمده به فاصله کهکشان مورد نظر از ما تقسیم شود « ثابت هابل» یا کمیت تعیین کننده عمر جهان به دست می آید. آخرین اندازه گیریها عمر جهان را حدود ۱۵ میلیارد سال تخمین می زنند.



**Un hebdomadaire  
pour la communauté  
iranienne de Montréal/  
A weekly Newsletter for  
the Iranian Community  
in Montreal**

19 juillet 2008, numéro 8/July 19,  
2008 Issue No.8

Publication/Publisher: C-HafteH  
Publishing

Éditeur/Editor: Leili Khaghani

Éditeur en chef/Editor in chief:

Khosro Shemiranie

Designer:S.Taghiloha

Design des publicités/Ads de-

signed by: behgraphics.com  
Design de la couverture/Cover  
design by: Keyvan Mahjour

6960 Sherbrooke W. #15  
Montreal Qc H4B 1R2  
(514) 787-8848  
info@chacavac.com

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro/  
Special thanks to those who contributed to this issue:

Ms. Mitra Roshan, Ms. Hamideh Ghiyasvand, Mr. Pasha Javadi,  
Mr. Mehdi Keshtekar, Dr Omid Saremi, Mr. Arman Motaghi and  
Dr. Ata Hoodashtian

### **Table des Matières Numéro 8**

- Un portrait de Nelson Mandela pour son 90ème anniversaire
- 
- Saint-Laurent : Grande-route du Canada, un vital canal
- 
- L'analyse sociale du cinéma en Iran
- Quand les machines de loto changeront la glace en argent!
- 
- Le culte n'est qu'être au service du peuple
- Les nouvelles de la communauté Iranienne de Montréal
- 
- Les nouvelles du Canada et du Québec
- Le Rapport du Cafelitt- La sociologie compare du cinéma en Iran- Avant et après la révolution
- 
- Un rapport de la fête de 90ème de Nelson Mandela partout dans le monde.
- 
- A propos du Québec : Les possibilités du site Web d'Emploi-Québec pour les employeurs

### **Table of contents- Issue 8**

- From Editor's Desk
- What's happening in our community?
- Learning while having fun: visiting Quebec City with "Anjoman Doostdarane Farhang va Adabe Iran"
- A sociological analysis of Iranian Cinema: Dr. Ata Hoodashtian
- CaféLitt Reports – Comparing Iranian cinema before and after revolution: Mr. Mehdi Keshtekar
- Savoir Faire – Quebec: Employment Quebec office at the service of employers: Hamideh Giasvand
- A Portrait of Nelson Mandela.
- Heads of States celebrate Mandela's birthday while his name is still on America's terrorist list.
- Quebec and Canada news
- When slot machines turn ice into money: Mitra Roshan
- St. Laurent: a gate to Canada, a vital water-way: Leili Khaghani
- Deep space journey: Fireball and the beginning!: Dr. Omid Saremi

HaftaH

Un hebdomadaire pour  
la communauté iranienne  
de Montréal/A weekly  
Newsletter for the Iranian  
Community in Montreal

19 juillet 2008, numéro  
8/July 19, 2008 Issue No.8

# CaféLitt<sup>©</sup>

Rencontre culturelle persano-montréalaise

مسابقه عکاسی<sup>1</sup>

## تابستان، مونتریاال و...<sup>^</sup>



هر شرکت کننده حداکثر 5 عکس می تواند ارسال کند. عکسها می بایست تا پایان روز 23 سپتامبر سال 2008 به آدرس [Montrealcafelit@gmail.com](mailto:Montrealcafelit@gmail.com) فرستاده شود.  
هیچگونه محدودیتی در مورد اندازه، وضوح، رنگ بندی و ویرایش عکسها وجود ندارد. (پیشنهاد می شود کیفیت عکس ها حداقل 300 dpi در A5 باشد). برای هر عکس توضیح موارد زیر الزامیست:  
نام عکاس - عنوان عکس - محل و تاریخ ثبت تصویر  
کلیه حقوق معنوی عکس برای عکاس و حق انتشار و نمایش عمومی عکسها با ذکر نام عکاس برای کافه لیت محفوظ است. عکسها توسط اعضای کافه لیت و داوران مدعو بررسی شده و به سه نفر برگزیده جوایزی اهدا خواهد شد. نمایشگاهی از عکس های منتخب توسط کافه لیت برگزار خواهد شد.  
\* از هرگونه حمایتی جهت قضاوت، تهیه جوایز و پربارتر شدن رقابت استقبال می شود.